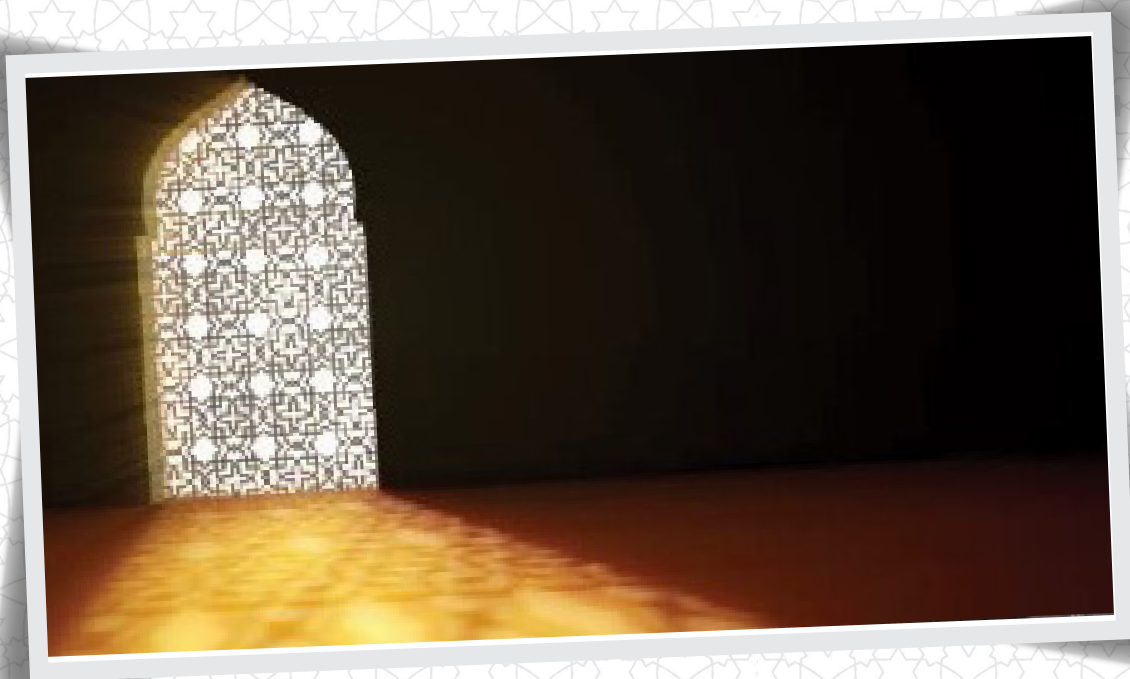




# حکمرانی مبتنی بر نظام سنن الهی (۱): چیستی سنن الهی و ضرورت کاربرد آن در نظام حکمرانی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدای بزرگ بخشایش همیشه بخشایند

بِسْمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۱/۹/۱۹

شماره مسلسل: ۱۸۵۴۷

کد موضوعی: ۳۵۰

عنوان گزارش:

حکمرانی مبتنی بر نظام سنن الهی (۱):  
چیستی سنن الهی و ضرورت کاربرت آن در نظام حکمرانی

نام دفتر:

مطالعات بنیادین حکمرانی (گروه ابزارهای حکمرانی)

مدیر مطالعه:

محمد عبدالحسین زاده

تهیه و تدوین:

علیرضا افضلی (هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام)

ناظران علمی:

مهدی عبد الحمید، محمد مهدی مهربان هلان

اظهار نظر کننده:

حسن کریمی فرد (مطالعات سیاسی)

واژه‌های کلیدی:

۱. سنن الهی

۲. سنت پژوهی

۳. حکمرانی اسلامی

۴. نظام سنن الهی



## فهرست مطالب

۷

چکیده

۸

خلاصه مدیریتی

۹

مقدمه

۱۰

چیستی و ماهیت سنن الهی

۱۱

انواع سنن الهی

۱۳

ویژگی های سنن الهی

۱۹

سنت اندیشی به مثابه چارچوب شناختی هنجاری نوین در عرصه

حکمرانی

۲۲

ضرورت سنت اندیشی برای حکمرانی

۲۴

مصادیقی از حکمرانی بر اساس سنن الهی با تأکید بر نامه ۵۳ نهج

البلاغه

۲۵

جمع بندی و نتیجه گیری

۲۶

منابع و مأخذ



## فهرست اشکال

۱۰

شکل ۱. رابطه بین سه مؤلفه در معنای واژه سنت

۱۳

شکل ۲. انواع سنت‌های الهی

۱۸

شکل ۳. ویژگی‌های سنن الهی

۲۱

شکل ۴. گام‌های سنت پژوهی





## حکمرانی مبتنی بر نظام سنن الهی

### ۱. چیستی سنن الهی و ضرورت کاربست آن در نظام حکمرانی

[ چکیده ]

سنن الهی یکی از مباحث بنیادینی است که تأثیرات شگرفی را بر حوزه حکمرانی دارد و می‌توان ادعا کرد که بدون توجه به سنن الهی و طراحی خاص به کار رفته در آن، نمی‌توان از موفقیت لازم در عرصه حکمرانی برخوردار بود. بررسی سنت‌های الهی، ما را قادر می‌کند تا قوانین و سامانه حاکم بر رخدادهای اجتماعی را کشف کرده، با شناخت روابط پدیده‌ها و رخدادهای اجتماعی، روند تحول آنها را پیش‌بینی کنیم. همچنین با بررسی آنها، قادر خواهیم شد تا رخدادهای اجتماعی را بهتر مدیریت کنیم. در پژوهش حاضر ضمن بیان چیستی و ماهیت سنن الهی، انواع و ویژگی‌های آنها، به ارائه سنت‌اندیشی به‌عنوان چارچوب شناختی‌هنجاری نوین عرصه حکمرانی پرداخته و در ادامه، به ضرورت توجه به سنن الهی در فرایند حکمرانی با هدف ارتقای کیفیت آن پرداخته و نهایتاً مصداق‌هایی از به‌کارگیری سنن الهی در عرصه حکمرانی با تأکید بر نامه ۵۳ نهج‌البلاغه مورد بحث قرار می‌گیرد.



## خلاصه مدیترتی

پرداخته و بر توجه به سنن الهی و لحاظ آنها در عرصه حکمرانی تأکید دارند.

درنهایت در ضرورت این بحث این‌گونه می‌توان گفت که ندیدن و عدم لحاظ چارچوب‌های شناختی و هنجاری معطوف به سنن الهی، چه‌بسا موجب محرومیت از بنیان‌های اصیل آفرینش در طراحی‌های پژوهشی توسعه علوم اجتماعی و به‌طور خاص در عرصه حکمرانی می‌شود. باور و ایمان به قوانین الهی و اهمیت شناخت هرچه بیشتر و دقیق‌تر آنها، شوق به یادگیری و آشنایی با این سنت‌ها و کاربست آنها در تحلیل را افزایش می‌دهد. سنن الهی، قواعد حرکت در این عالم را طراحی کرده و نشان می‌دهند که موفقیت در این عالم، در پرتو شناخت سنن الهی و حرکت مبتنی بر آنها میسر می‌گردد و بدون در نظر گرفتن آنها، نمی‌توان این عالم را با موفقیت، در جهت دستیابی به هدف وضع شده برای آن، طی کرد. بدیهی است که شناخت این سنن و حرکت براساس آنها، موفقیت در عرصه حکمرانی و تحقق اهداف را به‌خوبی تضمین می‌کند.

بررسی سنت‌های الهی، ما را قادر می‌کند تا قوانین و سامانه حاکم بر رخدادهای اجتماعی را کشف کرده، با شناخت روابط پدیده‌ها و رخدادهای اجتماعی، روند تحول آنها را پیش‌بینی کنیم. همچنین با بررسی آنها، قادر خواهیم شد تا رخدادهای اجتماعی را بهتر مدیریت کنیم. اهمیت شناخت این قوانین، در این است که می‌توانند نگرش‌های پژوهشگران علوم اجتماعی را تصحیح کرده، پیش‌فرض‌های ذهنی آنها را بازسازی نموده، آنها را در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی، توانمند کند تا با دستیابی به قوانین درست‌تر و کلی‌تر، بهتر بتوانند به تبیین، پیش‌بینی و کنترل واقعیت‌های اجتماعی بپردازند؛ لذا ضروری است که در عرصه‌های گوناگون حکمرانی و همچنین سایر عرصه‌ها مانند تمدن‌سازی، تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و همچنین طی کردن گام دوم انقلاب یا هر برنامه تحولی دیگر، فرایندها براساس قوانینی که خداوند تعریف فرموده است و در چارچوب آنها و با لحاظ آنها، برنامه‌ریزی و حرکت شود تا هرچه بیشتر در مسیر کسب رضایت حضرت حق، با موفقیت حرکت کرد. بدیهی است در صورت عدم توجه به این قوانین و حرکت بر خلاف آنها، علاوه بر عقب افتادن و دورشدن از دستیابی به نقطه مطلوب و اهداف و آرمان‌های تعریف شده، چه بسا با برخی از اقدام‌های نادرست، به‌طور کلی زمینه حذف از عرصه دنیا و صحنه آفرینش فراهم آید.

یکی از رهنمودهایی که به روشنی از آیات و روایات استنباط می‌شود و جایگاه مهمی در جهان‌بینی و سامانه ارزشی اسلام دارد، شناخت و پیروی از سنن الهی و انطباق با آنهاست. سنن الهی، قوانینی هستند که خداوند بر عالم خلقت حاکم فرموده، از طریق آنها، تدبیر خود را جاری می‌سازد. پدیده‌های جهان، محکوم به یکسری قوانین ثابت و سنت‌های تغییرناپذیر الهی هستند که وقوع آنها، هرگز بیرون از آن قوانین صورت نمی‌گیرد. در همین راستا، پدیده‌های اجتماعی و تحولات مرتبط با آن، براساس یک سلسله قوانین ویژه و دقیق شکل می‌گیرند که توسط خالق هستی تعریف و طراحی شده است.

سنن الهی یکی از مباحث بنیادینی است که تأثیرات شگرفی را بر حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی، خصوصاً حوزه خطمشی‌گذاری و حکمرانی داشته و می‌توان دلالت‌هایی ویژه مبتنی بر آن، بر این حوزه دانشی ارائه داد. می‌توان ادعا کرد که بدون توجه به سنن الهی و طراحی خاص به‌کار رفته در آن، نمی‌توان از موفقیت لازم در خطمشی‌گذاری و حکمرانی برخوردار بود. به‌عبارتی بدون توجه به زمین‌بازی و قواعد تعریف شده در آن، نمی‌توان انتظار موفقیت و پیروزی در بازی داشت؛ بنابراین، هر چه باور ما به‌وجود این قوانین و شناخت ما نسبت به آنها بیشتر گردد، بر ضرورت استفاده و بهره‌گیری از آنها در عرصه‌های گوناگون علوم اجتماعی نیز افزوده می‌شود.

این گزارش با هدف توصیف دقیق سنن الهی و تبیین کاربرد آنها در عرصه حکمرانی، در دو بخش کلی ارائه شده است. در بخش اول، پس از بیان تعریف و ماهیت سنن الهی، انواع سنن الهی مورد بحث قرار گرفته و در ادامه، ویژگی‌های آنها با هدف استفاده از آنها در عرصه‌های گوناگون علوم اجتماعی تبیین شده است. بخش دوم با هدف تبیین دقیق پدیده‌ها براساس سنن الهی، به ارائه یک چارچوب شناختی - هنجاری ویژه از جهان آفرینش می‌پردازد که می‌توان آن را «سنت‌اندیشی» نامید. باور به این چارچوب، تأثیراتی مهم و جدی بر حوزه‌های علوم اجتماعی و به‌طور خاص در عرصه حکمرانی و مبانی آن دارد و از جمله هستی‌شناسی و روش‌شناسی آن را به چالش می‌کشد. این چارچوب و هستی‌شناسی و روش‌شناسی برآمده از آن، رویکردی متفاوت را به تبیین هرچه صحیح‌تر پدیده‌ها و مسیر پیش‌روی آنها مد نظر قرار می‌دهد. در ادامه در پایان بخش دوم، برای مثال از کاربرد سنن الهی در عرصه حکمرانی، به فرازهایی از نامه ۵۳ نهج‌البلاغه اشاره شده است و نشان داده شد که امیرالمؤمنین علیه‌السلام، به زیبایی در خلال دستورات خود، به ارائه برخی از سنن الهی در عرصه حکمرانی



## مقدمه

یکی از رهنمودهایی که به روشنی از آیات و روایات استنباط می‌شود و جایگاه مهمی در جهان بینی و سامانه ارزشی اسلام به خود اختصاص داده است، سنن الهی است. سنن الهی، قوانینی هستند که خداوند بر عالم خلقت حاکم فرموده، از طریق آنها، تدبیر خود را در عالم تکوین، جاری می‌کند. پدیده‌های جهان، محکوم این قوانین ثابت و سنت‌های تغییرناپذیر الهی هستند. به تعبیر دیگر، خداوند شیوه‌های معینی دارد که گردش امور هستی، هرگز بیرون از آن شیوه‌ها انجام نمی‌شود. خداوند متعال، سرنوشت ملت‌ها را بر این سنت‌ها و قوانین ثابت و تغییرناپذیر، بنا نهاده است. در آیات گوناگونی از قرآن، به مطالعه سنت‌های الهی و سرگذشت ملت‌های گذشته تأکید شده است که خود ناظر بر جاری بودن این سنت‌ها در همه اعصار و در میان همه اقوام گذشته است. پدیده‌های اجتماعی و تحولات مرتبط با آنها، براساس یک سلسله قوانین ویژه شکل می‌گیرند. پیروزی، شکست، کامیابی، عزت و ذلت جوامع گوناگون بشری، تابع قوانین دقیق و منظمی است که با شناخت آنها، می‌توان بر جریانات و پدیده‌های عصر حاضر آگاهی یافت و در جهت سعادت مردم، از آنها بهره جست (بیاری، ۱۳۸۶).

قرآن، به منزله کتاب مقدس پروردگار متعال، چنان به سنت‌های الهی اشاره فرموده است و بر وجود این سنت‌ها و جاری بودن آنها اصرار ورزیده است که پیروان را موظف می‌دارد تا برای شناخت این سنت‌ها همت گمارند. قرآن به شیوه‌ها و صورت‌های گوناگون از این حقیقت سخن گفته است. در بسیاری از آیات قرآن، این مفهوم به صورت علمی، این‌گونه بیان شده است که ضوابط و قوانینی بر عالم خلقت حاکم هستند؛ چنان که این حقیقت را در آیات دیگر، به صورت عرضه قوانین و بیان مصداق‌ها و نمونه‌هایی از آنچه در گذر تاریخ است، بیان می‌دارد. در برخی آیات دیگر، این حقیقت به گونه‌ای بیان شده است که نظریه‌ها را با تطبیق‌ها و مصادیق درمی‌آمیزد؛ به طوری که ابتدا مفهوم کلی را بیان کرده، سپس در قالبی دیگر، مصداق آن مفهوم را آورده است. در برخی آیات دیگر نیز به مطالعه حوادث و اخبار گذشتگان ترغیب و تشویق کرده، همت‌ها را به نوعی استقرای تاریخی و کشف و احصای قوانین تاریخی متمایل می‌سازد و از خواننده مدبر می‌خواهد که با دقت در تمثیل‌ها، قانون را بیابد و برای یافتن آن، جزئیات را کاوش کند.

سنن الهی یکی از مباحث بنیادینی است که تأثیرات شگرفی را بر حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی، خصوصاً حوزه حکمرانی داشته و دلالت‌هایی ویژه می‌توان از آن، بر این حوزه دانشی ارائه داد. می‌توان ادعا کرد که بدون توجه به سنن الهی و طراحی خاص به کار رفته در آن، نمی‌توان از موفقیت لازم در عرصه حکمرانی برخوردار بود؛ بنابراین، هر چه باور ما به وجود این قوانین و شناخت ما نسبت به آنها بیشتر شود، بر ضرورت استفاده و بهره‌گیری از آنها در عرصه‌های گوناگون علوم اجتماعی، خصوصاً عرصه حکمرانی نیز افزوده می‌شود.

در این گزارش، ضمن بیان چیستی و ماهیت سنن الهی، انواع و ویژگی‌های آنها، به ارائه سنت‌اندیشی به‌عنوان چارچوب شناختی هنجاری نوین براساس سنن الهی در عرصه حکمرانی پرداخته و در ادامه، به ضرورت توجه به سنن الهی در فرایند حکمرانی با هدف ارتقای کیفیت آن پرداخته و نهایتاً مصداق‌هایی از به‌کارگیری سنن الهی در عرصه حکمرانی با تأکید بر نامه ۵۳ نهج‌البلاغه مورد بحث قرار می‌گیرد.



## چستی و ماهیت سنن الهی

اگر بخواهیم در یک مطالعه قرآنی درباره واژه‌ای از واژگان قرآنی یا یک موضوع از موضوعات مطرح شده در قرآن کریم، پژوهش و بررسی داشته باشیم، باید ابتدا کاربردهای آن واژه را در قرآن کریم بررسی کنیم. به‌ویژه از این حیث که آیا به صراحت به کار رفته است یا خیر؟ و در گام بعد، اگر به صراحت به کار رفته است، باید از لحاظ لغوی، بررسی شود.

واژه «سنت» در قرآن در مجموع، ۱۶ بار در ۱۱ سوره از سوره‌های مکی و مدنی به کار رفته است. در برخی آیات این واژه به صورت مفرد، یعنی «سنه» به کار رفته است<sup>۱</sup> و در برخی از کاربردهایش به صورت جمع مکسر، یعنی «سُنن» به کار رفته است.<sup>۲</sup>

این اثیر درباره معنای لغوی سنت می‌گوید: اصل معنای سنت، راه و روش است (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۲، ۴۰۹). فیومی نیز سنت را به معنای راه و روش می‌داند؛ حال فرق نمی‌کند که این روش پسندیده باشد و

یا ناپسند (فیومی، ۲۹۲، ۱۴۱۴). مصطفوی در این باره می‌گوید: اصل واحد در ماده فعلی «سَنَنَ»، جریان داشتن یک امر منضبط است، حال چه این جریان داشتن در ظهور صفت و یا عمل و یا یک کلام باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۵، ۳۸۸).

در جمع‌بندی معنای لغوی واژه سنت، با توجه به منابع لغوی، می‌توان این‌گونه گفت که در واژه «سنن»، سه مؤلفه معنایی وجود دارد که از برجستگی خاصی برخوردارند:

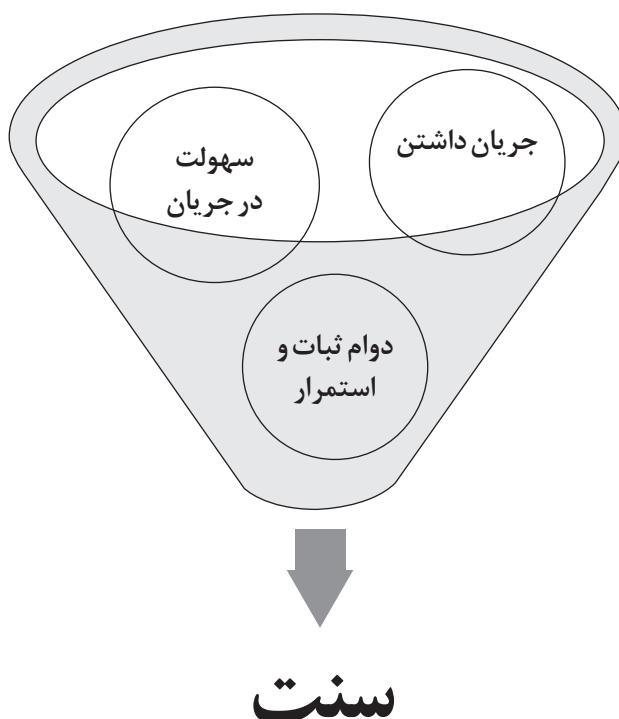
**الف) جریان داشتن و جاری بودن؛**

**ب) سهولت در جریان؛**

**ج) دوام، ثبات و استمرار.**

به عبارتی، سنت چیزی است که جریان دارد و به سهولت جاری می‌شود و در عین حال، دوام و استمرار دارد. در نمودار ۱ رابطه مؤلفه‌های معنایی لغوی واژه سنت، نشان داده شده است.

نمودار ۱. رابطه بین سه مؤلفه در معنای واژه سنت



۱. اسراء، ۷۷؛ احزاب، ۳۸؛ احزاب، ۶۲؛ فتح، ۲۳؛ حجر، ۱۳؛ کهف، ۵۵؛ فاطر، ۴۳؛ غافر، ۸۵؛ انفال، ۳۸.  
۲. نساء، ۲۶؛ آل عمران، ۱۳۷.

خلقت جداگانه‌ای به آن تعلق گیرد. بلکه مفهوم کلی و انتزاعی ذهنی است و در خارج، به شکل کلیت مشخص دال بر قانون بودن، وجود ندارد. آنچه در خارج وجود دارد، همان نظام علت و معلول و درجات و مراتب وجود است که در ذهن ما تجرید می‌یابد و انتزاع می‌شود و به‌عنوان قانون نامگذاری و شناسایی می‌گردد (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۲۶-۱۳۰).

در نهایت با توجه به تعاریف لغوی و اصطلاحی ذکر شده، تعریف مختار از سنن الهی بدین گونه ارائه می‌شود: «روش‌ها و رویه‌ها و قوانینی که خداوند بر عالم تکوین حاکم فرموده است و بر پایه همین قوانین و رویه‌ها، امور عالم و انسان را تدبیر و اداره می‌کند. این قوانین و رویه‌ها، بر حسب اقتضای خود استمرار داشته و غیر قابل تحویل و تبدیل‌اند». سنن در این معنای وسیع، دربرگیرنده همه موجودات، از جمله انسان و زندگی فردی و اجتماعی او می‌شود؛ بنابراین هر موجودی، در هر زمانی و تحت هر شرایطی، دست کم تحت حاکمیت یک یا چند سنن خداوند قرار دارد. سنن الهی، مجموعه قوانین ثابت و مستمری هستند که حق تعالی بر جهان تکوین (انسان، جوامع انسانی و طبیعت) حاکم کرده است و امور عالم و آدم را براساس آن مجموعه، تدبیر و اداره می‌کند. خداوند متعال از طریق همین قوانین، اراده خود را بر جهان محقق می‌سازد؛ بنابراین، تحقق اراده الهی در عالم وجود، از طریق همین قوانین ثابت و پایدار و مستمری تحقق می‌یابد که از آنها با عنوان سنن الهی یاد می‌شود. به گفته شهید صدر خداوند قدرتش را از طریق همین سنن‌ها اعمال می‌کند. این سنن‌ها و قوانین «اراده‌الله» اند و حکمت و تدبیر او را در عالم، تجسم می‌بخشند (صدر، ۱۳۹۳: ۱۶۲).

در میزان، در تعریف این واژه، ذیل آیه ۱۶۲ احزاب، چنین آمده است: سنت، همان طریقه و روش معمول است که به اقتضای طبیعت خود، غالباً و یا به‌طور دائم، جریان دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ص ۳۴۰).

مرحوم طبرسی نیز در تعریف سنت، در تفسیر خود چنین می‌گوید: سنت طریقه و روشی است که در تدبیر حکم به کار می‌رود و منظور از سنت پیامبر، روش ایشان است که به امر خداوند جاری فرموده است که در نتیجه، به ایشان نسبت داده می‌شود و روشی که یک یا دو بار انجام شود، سنت نامیده نمی‌شود؛ زیرا سنت، به روش متداول و رایج اطلاق می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸، ۵۸۱).

همچنین شیخ طوسی در تفسیر خود، شرط تکرار را در معنای سنت لحاظ نموده و می‌گوید: اصل سنت، عبارت است از راه و روش و هر کس که کاری را یک یا دو بار انجام دهد، به آن سنت اطلاق نمی‌شود؛ زیرا سنت، روش معمول و رایج است و زمانی که کاری یا عملی کم انجام شود، به آن روش رایج اطلاق نمی‌شود (طوسی، ۱۳۷۱: ج ۸، ۳۶۲).

تعاریف دیگری نیز از سنن‌های الهی ارائه شده است. برای مثال، سنت را ضوابطی دانسته‌اند که در افعال الهی وجود دارد و یا روش‌هایی که خداوند متعال، امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۴۲۵).

یا سنن الهی در زبان دین، همان چیزی است که در اصطلاح فلسفه، نظام جهان و قانون اسباب، خوانده می‌شود. پدیده‌های جهان، محکوم یک سلسله قوانین و سنن‌های لایتنی‌الهی بوده و به تعبیر دیگر، خداوند در جهان، شیوه‌های معینی دارد که گردش کارها را هرگز بیرون از آن شیوه‌ها انجام نمی‌دهد. این سنت و قانون، چیزی نیست که آفرینش خاص و

## انواع سنن الهی

در مورد سنن الهی می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی ارائه داد. در یک تقسیم‌بندی، می‌توان سنن‌های تکوینی را از سنن‌های تشریحی متمایز ساخت. سپس در چارچوب سنن تکوینی، می‌توان از سنن‌های آخرتی و دنیایی و سنن‌های مطلق و مقید و نظایر آن سخن گفت.

### سنن‌های تکوینی و سنن‌های تشریحی

سنن الهی از حیث ماهیت، به سنن تکوینی و سنن تشریحی قابل تقسیم هستند. سنن‌های تکوینی، سنن‌هایی هستند که در عالم خلقت و تکوین قرار داده شده، بر آن حاکم هستند و وجه توصیفی دارند و از سنن ایجادند؛ بدین صورت که بیان‌کننده چگونگی عالم خلقت و قوانین حاکم بر آن و نحوه جریان آنها بوده، با هست‌ها و نیست‌ها بیان می‌شوند و در



جایگاهی ممتاز و ویژه دارد و براساس آیه ۷۲ سوره احزاب، حامل امانت الهی است، تحت قوانین تشریحی و بایدها و نبایدها قرار می‌گیرد.

در نسبت سنت‌های تشریحی با سنت‌های تکوینی، می‌توان گفت سنت‌های تشریحی بر سنت‌های تکوینی مبتنی و منطبق بوده، در چارچوب آنها قرار می‌گیرند و نمی‌توان سنت‌های تشریحی را خارج از سنت‌های تکوینی لحاظ کرد و قوانین و دستورات تشریحی، از همان حقایق و روابط و سامانه‌های عالم تکوین برگرفته شده‌اند و علم و عمل به آنها، ما را با سامانه هستی هماهنگ می‌کند و به سوی دار قرار و سرمنزل مقصود رهنمون می‌کند. پس می‌توان این‌گونه تصور کرد که سنن تکوینی، اصل بوده و بیانگر ماهیت هستند و چارچوب را مشخص می‌کنند؛ در حالی که سنن تشریحی، بیانگر چگونگی حرکت و کیفیت آن هستند. برای مثال به محضر آیه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ» (بقره، ۲۷۶) می‌رویم، دال بر اینکه خداوند ربا را تباہ می‌سازد و صدقات را افزون می‌کند. این یک سنت تکوینی است و مبتنی بر آن، سنت تشریحی «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره، ۲۷۵) دال بر اینکه خداوند معامله را حلال و ربا را حرام کرده است، جاری می‌گردد.

یادآوری می‌شود که براساس تعریف مختار، در این گزارش سنن تکوینی مد نظر هستند؛ هر چند که سنن تشریحی، مهم و تکمیل‌کننده سنن تکوینی‌اند و در عرصه حکمرانی، بسیار استفاده می‌شوند.

### سنت‌های دنیوی و سنت‌های اخروی

سنن تکوینی از حیث قلمرو، وسعت، دامنه و عوالمی که این سنن در آن جاری هستند، به سنت‌های دنیوی و سنت‌های اخروی تقسیم می‌شوند؛ بدان سبب که برخی سنن، فقط در دنیا جاری بوده (مانند سنت استدراج<sup>۱</sup> (اعراف، ۱۸۲))، برخی فقط در آخرت جاری هستند (مانند سنت شفاعت<sup>۲</sup> (مریم، ۸۷)) و برخی هم در دنیا و هم در آخرت (مانند سنت جزا و پاداش<sup>۳</sup> (آل عمران، ۱۴۸)).

### سنت‌های مطلق و سنت‌های مقید

سنت‌های تکوینی از حیث دخالت فعل انسان در جریان سنت، به دو دسته، مطلق و مقید تقسیم می‌شوند. سنت‌های مطلق (غیر مشروط)، مسبوق به اراده و فعل و انتخاب انسان نیستند و رفتار و اختیار انسان در جریان و یا عدم جریان آنها، دخالت نداشته، تحقق آنها، منوط به فعل انسان و یا عدم آن نیست (مانند سنت استخلاف خاص<sup>۴</sup> (نور، ۵۵))؛ ولی سنت‌های مقید (مشروط) به اراده و فعل اختیاری انسان بستگی داشته، براساس اراده، فعل، اختیار و انتخاب انسان تحقق می‌یابند و متناسب با فعل انسان بوده، براساس رفتار انسان و یا جامعه

انسانی، جاری و ساری می‌شوند (مانند سنت یاری<sup>۵</sup> (محمد، ۷)).

### سنت‌های مرتبط با انسان و سنت‌های مرتبط با غیر انسان

سنت‌های تکوینی را می‌توان از حیث مخاطب، به سنت‌های مرتبط با انسان و سنت‌های مرتبط با غیر انسان تقسیم کرد. سنت‌های مرتبط با انسان، با انسان ارتباط داشته و داخل در ساحات انسانی بوده و درباره انسان و جوامع انسانی جاری می‌شوند.

این دسته از سنن، به سنت‌های فردی و اجتماعی تقسیم می‌شوند؛ یعنی برخی مربوط به حیات فردی انسان بوده و در مقیاس فردی جاری می‌شوند (مانند سنت ابتلا<sup>۶</sup> (عنکبوت، ۲)) و برخی مربوط به حیات جمعی بوده و در مقیاس اجتماعی جاری می‌گردند (مانند سنت اجل مسمی در مورد امت‌ها<sup>۷</sup> (اعراف، ۳۴)). سنت‌های مرتبط با غیر انسان، سنت‌هایی هستند که مربوط به جهان خلقت بوده، ولی خارج از ساحات انسانی هستند؛ نظیر سنت «تسخیر موجودات برای انسان» (جاثیه، ۱۳).

### سنت‌های اولیه و سنت‌های ثانویه

سنت‌های تکوینی از حیث موضوع و حوزه تأثیر گذاری، به دو دسته سنت‌های اولیه و ثانویه تقسیم می‌شوند. گاهی موضوع آیات ناظر بر سنت‌ها، مصادیق و موضوعات گوناگونی با دلالت‌های خاص و عام هستند.

عرصه‌های خاص، خود موضوعات گوناگونی را نظیر امور اقتصادی مانند سنت «رزق»، فرهنگی و تربیتی مانند سنت «هدایت»، نظامی مانند سنت «یاری» در برمی‌گیرند؛ در حالی که عرصه‌های عام، شامل سنن مانند سنت «تسخیر» می‌شوند که درباره همه مصادیق و موضوعات جاری بوده و فراگیر هستند. گاهی نیز موضوع آیات حامل سنت، خودشان سنت هستند و شناختی نوع اول از سنت به ما می‌دهند؛ یعنی بیان می‌کنند که میان رفتار اجتماعی خاص به‌منزله یک پدیده و پیامدهای خاص اجتماعی، به‌منزله پدیده دیگر، ارتباط علی و معلولی وجود دارد. به این موارد سنت‌های اولیه گفته می‌شود. گاهی نیز آیات حامل سنت، شناخت نوع دوم از سنت را در اختیار ما قرار می‌دهند؛ یعنی مشخص می‌کنند که سنت چیست؟ چه خصوصیتی دارد؟ گستره سنت از حیث قلمرو تأثیر، تا چه اندازه است؟ نوع دوم نیز سنت‌های ثانویه است و به لحاظ قانون عام، در قرآن یاد شده است. اما تفاوت آن در این است که نگاه در این نوع از سنت، یک نگاه مبنایی است و نه مصادقی. در این گزارش، سنت‌های نوع اول، «سنت اولیه» و سنت‌های نوع دوم «سنت ثانویه» خوانده شده‌اند. در نمودار ۲ تقسیم‌بندی‌های گوناگون از سنن الهی ارائه شده است.

۱. به معنای سقوط تدریجی و مرحله به مرحله و نزدیک شدن به عذاب به صورت غیر محسوس.

۲. به معنای اینکه در روز قیامت تنها خداوند مالک شفاعت است و چنین نیست هر کس، هر چه را خواست شفیع خود قرار دهد.

۳. به معنای اعطای پاداش و مجازات کردن توسط خداوند هم در دنیا و هم در آخرت.

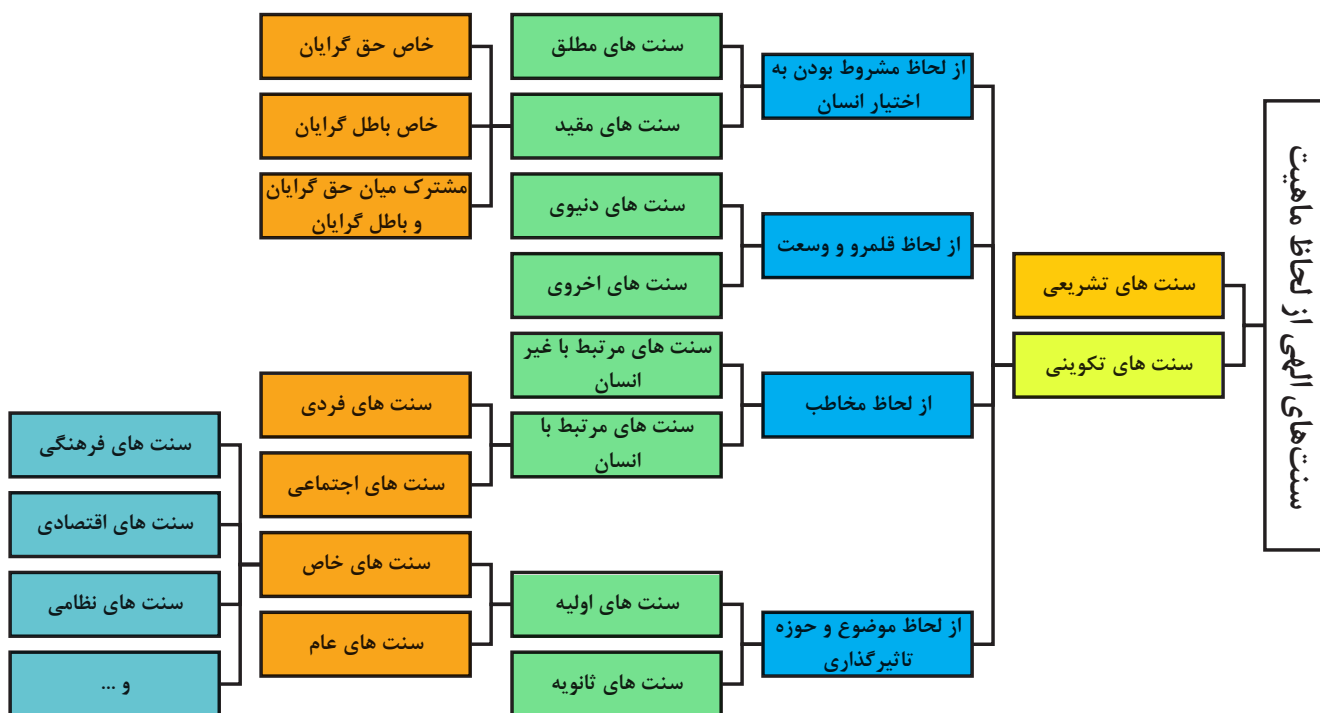
۴. به معنای خلافت و حکمروایی مؤمنین در زمین بعد از ظهور حضرت حجت (ع).

۵. به معنای اینکه اگر خداوند را یاری کنید، خداوند هم شما را یاری می‌کند و ثابت قدم ننگهتان می‌دارد.

۶. منظور آزمایش و ابتلای مؤمنین برای مشخص شدن ایمانشان.

۷. هر قوم و جامعه‌ای دارای یک اجل و مرگ مشخصی است.

## نمودار ۲. انواع سنن های الهی



## ویژگی های سنن الهی

سنن الهی ویژگی های عام و خاص، دارند: ویژگی های خاص هر یک از سنن ها، اگر چه مهم است، ولی مورد بحث ما نیست و ما فقط به ویژگی های مشترک سنن الهی و قواعد کلی حاکم بر سنن ها، می پردازیم. آیات قرآن کریم به برخی از این ویژگی ها تصریح فرموده اند و برخی دیگر از این ویژگی ها، از تعریف و موارد استعمال سنن ها در آیات قرآن قابل فهمند. برخی از مهم ترین ویژگی های سنن الهی عبارتند از:

یکی از مباحث مهم در سنن های الهی که آثار بسیار مهمی در کاربرد سنن الهی در حوزه علوم اجتماعی و تبیین پدیده ها و برآورد و تخمین آینده آنها دارد، ویژگی های سنن های الهی است؛ زیرا اگر بتوان این ویژگی ها را به منزله قوانین عام حاکم بر سنن الهی یا سنن های ثانویه، اثبات کرد و در پی آن، آنها را به دقت و به صورت مستدل تبیین کرد، آن وقت می توان درباره کارکرد فهم سنن الهی برای توسعه زمینه های گوناگون علمی، به خصوص در حوزه حکمرانی بحث کرد.

### الهی و ربانی بودن سنن

در امتداد همین ویژگی الهی بودن سنن، قرآن وجود روابط علت و معلولی منظم و متقن را در بین حوادث تاریخی این عالم می پذیرد و آنها را تجلی حکمت خداوند و حسن تدبیر او در آفرینش جهان می داند؛ بنابراین اگر چه سنن الهی تجلی امر اویند، به امر او در یک چارچوب علی و معلولی تحقق می یابند؛ یعنی سنن های الهی به نحو دقیقی در قالب روابط علت و معلول و سبب و مسبب، معرفی می شوند و قطعیت تحقق آنها از یک

در پرتو آیات قرآن کریم، می توان ادعا کرد که یک ویژگی مهم سنن الهی، خدایی بودن آنهاست؛ اینکه سنن های الهی، هویت و موجودیت خود را از خداوند می گیرند، یعنی وضع این قوانین و جاری شدن آنها و برطرف شدن آنها، به دست خداوند است. قوانینی که «سننه الله» (احزاب، ۳۸) و به عبارت دیگر «کلمات الله» (انعام، ۳۴) بوده، تجلی امر اویند.



سو و شرایط تحقق آنها از سوی دیگر و دخالت انسان در جاری کردن آنها، از سوی بعدی مورد توجه قرار می‌گیرد. تأکید قرآن بر الهی بودن سنت‌ها و خصوصیت غیبی داشتن آنها، اندیشه وابستگی انسان به خداوند را پرورش می‌دهد (صدر، ۱۳۹۳: ۱۶۴ و ۱۶۵). خدای متعال برای آنکه بینش و گرایش الهی و توحیدی بندگان را تقویت و تحکیم کند، در قرآن کریم، افعال و انفعالات و کنش‌ها و واکنش‌های طبیعی و پدیده‌های مادی را که بر اساس روابط علی معلولی، جاری هستند، به خود نسبت می‌دهد. در همین راستا، پدیده‌های انسانی را هم اعم از فردی و اجتماعی، به خود نسبت می‌دهد، تا توحید افعالی ادراک شود؛ ولی این هرگز به معنای نفی اختیار و مسئولیت افراد نیست.

### عدم تنافی سنن الهی با اختیار و اراده انسان

یکی از ملاحظاتی که در شمار ویژگی‌های مشترک سنن الهی در منابع گوناگون ذکر شده است (ر.ک. مرادخانی، ۱۳۹۴: ۱۰۶)، عدم تنافی سنن الهی با اختیار و اراده انسان است. باور به توحید در فهم سنت‌های الهی، نباید این پندار نادرست را تقویت کند که بین آزادی انسان و سنت‌های الهی، منافات وجود دارد. پس ما می‌توانیم هم سنت‌های الهی را بپذیریم و درک کنیم و هم قائل به وجود اختیار انسان شویم. از این رو وقتی از وجود سنت‌های الهی و جریان داشتن آنها در عالم خلقت بحث می‌شود، ضرورت دارد جایگاه اراده و اختیار انسان در مرادها با این سنن و دخالت او در جریان پیدا کردن سنن الهی، تبیین شود.

با توجه به ویژگی اول، اگر چه تعبیری مانند «سنه‌الله» و «سنتنا»، وجود دارد، اما تعبیری مانند «فَفَسَّقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَا هَا تَدْمِيرًا» (اسراء، ۱۶) و «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف، ۹۶) و «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُمْ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱) نیز در میان سنت‌ها مورد تأکیدند که به صراحت بر اختیار انسان دلالت دارند؛ اگر چه این اختیار نیز با توجه به ویژگی اول، هویت و موجودیت خود را از خداوند می‌گیرد. در واقع گویا این سنن الهی به واسطه انسان جاری می‌شوند، به طوری که اگر انسان، شرط جاری شدن یک سنت را به شکل اختیاری تحقق ندهد، آن سنت جاری نمی‌شود. به عبارت دیگر، انسان‌ها با اختیار و اراده خویش، زمینه اجرای سنت‌های الهی را فراهم می‌کنند و خود را مشمول این یا آن سنت می‌سازند. به تعبیر شهید صدر، سنن الهی به دست انسان فعال می‌شوند (صدر، ۱۳۹۳: ۱۶۸)؛ بنابراین، انتخاب انسان در تصویری که قرآن از سنت‌های الهی پردازش می‌کند، نقش اساسی داشته، انسان نمی‌تواند نقش خود را در جاری شدن آنها منکر شود و اراده و اختیار و انتخاب خود را بی‌تأثیر بداند؛ بلکه این سنت‌ها، بر مسئولیت او در میدان حوادث تاریخ، دلالت دارند و همین اختیار است که مفهوم «خلافت الهی» را قابل درک می‌کند.

پس جاری شدن سنن الهی با اختیار و اراده انسان، منافات ندارد و انسان می‌تواند در جاری شدن سنن الهی نقش داشته باشد. البته نقش

انسان در جاری شدن سنن الهی، قابل بحث است. در این امتداد باید توجه داشت که سنن الهی به دو نوع مطلق و مقید تقسیم می‌شوند. در سنن مطلق، اختیار انسان در تحقق سنت‌ها دخالت ندارد؛ یعنی تحقق سنن مطلق، مشروط به اراده و انتخاب انسان نیست و این سنت‌ها، جبراً حاکم‌اند؛ نظیر سنت «اجل مقدر» برای انسان و جوامع که اختیار انسان در رفع آن دخالتی نداشته، شاید بتواند با اعمال خود، زمان آن را جابه‌جا کند.

اما سنن مقید، مشروط به اختیار و انتخاب انسان بوده، انسان باید شرط را تحقق دهد تا در پی آن، جزا تحقق یابد. در این دسته از سنن، تا زمانی که انسان شرط را انتخاب نکرده و آن را محقق نسازد، جزا تحقق نمی‌یابد. نکته این است که اگر انسان، شرط را جاری ساخت، در تحقق جزای آن، هیچ اختیاری نخواهد داشت، مگر آنکه در مسیر تحقق جزا، مجالی برای او در نظر گرفته شده باشد؛ بنابراین، اختیار و انتخاب انسان، فقط در تحقق یافتن برخی از سنن دخالت دارد و نه در همه آنها.

در یک بیان دیگر، حتی می‌توان گفت که اختیار انسان، خود سنتی است جاری از سوی خداوند و اینکه انسان مجبور است تا مختار باشد و آزادانه انتخاب کند؛ چنان که می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان، ۳). سنت اختیار سنتی است که با سایر سنن الهی در تعامل بوده و سایر سنت‌های مشروط خداوند، تحت الشعاع آن قرار می‌گیرند و این سنت پیش‌شرط و مقدمه تحقق آنهاست. در همین امتداد، می‌توان فحوای آیات متعدد قرآن در باره سیر بر روی زمین و عبرت گرفتن از آنچه برای اقوام گذشته اتفاق افتاده است (آل عمران، ۱۳۷) را بهتر درک کرد.

### عمومیت داشتن سنن الهی و استمرار آنها

عمومیت داشتن سنن الهی بدان معناست که این سنن، به قوم خاصی اختصاص نداشته، تکرار پذیرند، استمرار دارند و در باره همه ملت‌ها و اقوام، در همه زمان‌ها صادقند؛ یعنی در هر زمانی که شرایط یک سنت فراهم گردد، اجرای آن حتمی است؛ بنابراین، دو ویژگی مهم این سنت‌ها عبارتند از:

**الف) عام بوده و فراگیرند و به قوم خاصی اختصاص ندارند؛**

**ب) استمرار داشته، در همه زمان‌ها و مکان‌ها جاری**

**بوده، به زمان خاصی اختصاص ندارند.**

قرآن حکیم در آیات ۱۳۷ آل عمران، ۲ و ۳ عنکبوت و ۱۰۲ یونس، این نکته را مد نظر قرار می‌دهد که سنت‌های الهی، پیش از شما در باره همه امت‌هایی که قبل از شما زندگی می‌کردند، جاری شده‌اند؛ پس قطعاً در مورد شما هم اجرا خواهند شد و هیچ تخلفی در مسیر اجرای آنها رخ نمی‌دهد. همچنین در ۲۱۴ بقره، به شدت به کسانی که تصور می‌کنند یا طمع آن را دارند که از سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ مستثنا شوند، حمله می‌کند و می‌فرماید:

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ



۳. الطبرسی فی (الاحتجاج): عن امیر المؤمنین علیه السلام، قوله تعالى: «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ»: «أى لتسلكن سبيل من كان قبلكم من الأمم فى الغدر بالأوصياء بعد الأنبياء» (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۶۲۰).

طبرسی از امیر المؤمنین علیه السلام در مورد آیه ۱۹ انشقاق چنین روایت می کند: مسیری را که گذشتگان قبل از شما در مکر کردن نسبت به اوصیاء بعد از پیامبران پیموده اند، شما نیز قطعاً طی خواهید کرد.

۴. امیر المؤمنین علیه السلام: «أما إن لكل قوم سامری» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۷۲).

همچنین از امیر المؤمنین علیه السلام چنین روایت شده است: آگاه باشید که هر قومی، سامری ای دارد.

با دقت در روایات و آیات فوق، این نکته به دقت و صراحت فهمیده می شود که سنن الهی، فراگیر و عام بوده و اختصاص به یک قوم و امت خاص ندارد. حتی سامری که در قوم بنی اسرائیل بروز پیدا کرد و آشکار شد، نیز اختصاص به آن قوم ندارد و هر قومی، برای خود سامری دارد و چه بسا ظهور یک گمراه کننده به توزیر نیز بخشی از آزمون ها و ابتلائات مورد تأکید در سنن الهی است.

#### ثابت بودن و تغییر ناپذیر بودن سنن الهی

اجرای سنت های الهی هرگز دستخوش تبدیل و تغییر نخواهد شد. دو احتمال که در مقابل قطعیت اجرای سنن الهی وجود دارند:

۱. یک سنت به سنت دیگری تبدیل گردد؛

۲. احتمال آنکه سنتی که خداوند بر قومی جاری ساخته، بر مصادیقی دیگر برگردانده شود و مثلاً عذابی که برای عده ای مقرر شده، بر گروه دیگری نازل شود.

قرآن کریم تصریح می فرماید:

«فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر، ۴۳)

هرگز برای سنت خدا، تبدیلی نمی یابی و هرگز برای سنت خدا، دگرگونی نخواهی یافت.

در میزان در توضیح این آیه، چنین آمده است: تبدیل سنت خداوند به این است که عذاب خداوند را بردارند و به جایش نعمت و رفاه بگذارند، یعنی عذاب به ضدش تبدیل شود و تحویل سنت، آن است که عذاب قومی را که مستحق آنند، به سوی قوم دیگری برگردانند که آنها مستحق این عذاب نیستند. سنت خداوند نه تبدیل می پذیرد و نه تحویل؛ زیرا امر خداوند بر صراط مستقیم قرار دارد و حکم او، نه تبعیض دارد و نه استثنا (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۷، ۸۳)؛ بنابراین می توان ادعا کرد که منظور از تبدیل، دگرگون کردن قانون است و منظور از تحویل، دخالت در تطبیق قانون.

بنابر نکاتی که ذکر شد، این نتیجه حاصل می شود که سنن الهی تغییر ناپذیرند و هیچ نوع تحولی در آنها اتفاق نمی افتد؛ زیرا انتساب هرگونه تبدیل و تحویل به سنن الهی، نوعی انتساب به فاعل آن سنن

مَسَّتْهُمْ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ»

آیا پنداشتید که داخل بهشت می شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر پیشینیان شما آمد، بر شما نیامده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و به [هول و] تکان درآمدند؛ تا جایی که پیامبر [خدا] و کسانی که با وی ایمان آورده بودند گفتند: «یاری خدا کی خواهد بود؟» آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است.

بنابراین، ویژگی عمومیت و استمرار، مقوم سنت است؛ زیرا اگر سنت ها از این ویژگی ها برخوردار نباشند، نمی توان آنها را سنت و قانون نامید. همان طور که در تعریف شهید مطهری آمده، سنت یک رابطه علی و معلولی است و زمانی به آن، سنت گفته می شود که استمرار داشته باشد. آشکار است که هرگاه علت ها تحقق پیدا کنند، معلول ها نیز در پی آنها، تحقق می یابند و این اختصاص به قوم و ملت خاصی ندارد و استثنا بر دار هم نیست و در همه زمان ها، استمرار داشته و جاری خواهد بود. آنها با پیدایش موجبات خود، آثار و لوازم خود را در پی می آورند و نوعی رابطه سبب و مسببی و علی و معلولی دائمی را نمایان می سازند. در روایات متعدد، ویژگی فراگیری سنت های الهی و همگانی بودن آنها، مورد تصریح قرار گرفته است.

۱. عن حنان بن سدير عن أبيه عن أبي عبد الله عليه السلام قال «إن للقاء من غيبة يطول أمدها فقلت له و لم ذلك يا بن رسول الله قال لأن الله عز و جل أبى إلا أن يجرى فيه سنن الأنبياء فى غيباتهم و أنه لا بد له يا سدير من استيفاء مدد غيباتهم قال الله تعالى لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ أى سنن من كان قبلكم» (ابن بابويه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۸۱).

سدير از پدرش از امام صادق عليه السلام چنین روایت می کند: قائم ما غیبتی دارد که زمان آن طولانی خواهد شد. عرض کردم چرا؟ فرمودند زیرا خداوند عزوجل می خواهد، همه سنت های انبیاء گذشته در موضوع غیبت، در مورد مهدی علیه السلام اتفاق افتد و چاره ای نیست از آنکه همه اتفاقات زمان غیبت های انبیاء گذشته در مورد مهدی علیه السلام اتفاق افتد. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «قطعاً شما حالات و منازلی را پشت سر می گذارید» که منظور آن است که سنن کسانی که قبل از شما بودند، در مورد شما نیز اتفاق می افتد.

۲. روى عن الصادق عليه السلام، فى معنى «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ»، «سنن من كان قبلكم من الأولين و أحوالهم» و المعنى أنه يَكُونُ فيكم ما كان فيهم و يجرى عليكم ما جرى عليهم حدو القذة بالقذة» (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ۷۰۲).

طبرسی از امام صادق علیه السلام در فهم معنی آیه ۱۹ انشقاق، چنین روایت می کند: منظور آیه آن است که سنت هایی که در مورد گذشتگان پیش از شما و احوالاتشان جاری شده است، در مورد شما هم دقیقاً جاری خواهد شد.



### حتمی و قطعی بودن تحقق سنن الهی

سنن الهی، در صورتی که شرایط آنها تحقق پیدا کنند، حتماً جاری خواهند شد و می‌توان گفت خداوند آنها را در عالم خلقت جاری خواهد فرمود و این سنن، تخلف‌ناپذیرند. حتی می‌توان گفت به لحاظ فارغ بودن خالق از بعد زمان، این سنت‌ها از پیش جاری شده‌اند (پورعزت، ۱۳۹۵).

آیاتی که بر تخلف‌ناپذیری سنن الهی و حتمی بودن تحقق آنها دلالت دارند، چند دسته هستند که عبارتند از:

۱. آیاتی دال بر آنکه اگر زمان تحقق سنتی فرارسد و شرایط تحقق آن مهیا شود، هیچ تأخیری در تحقق آن صورت نخواهد گرفت و هیچ تخلفی در آن اتفاق نخواهد افتاد: اعراف، ۳۴ و مؤمنون، ۴۳.

۲. آیاتی که با صراحت، تخلف در وعده خداوند و سنن الهی را رد می‌کنند: رعد، ۳۱ و آل عمران، ۱۹۴.

۳. آیاتی هستند که به کسانی که انتظار دارند سنت‌ها در باره آنها جاری نشود، هشدار می‌دهد که هیچ تخلفی صورت نخواهد گرفت: بقره، ۲۱۴ و بقره، ۸۰.

۴. آیاتی دال بر آنکه شوکت و قدرت و آبادانی و سایر امور دنیوی، نمی‌توانند مانع جریان سنن الهی شوند؛ روم، ۹، مریم، ۷۴ و ق، ۳۶.

همان‌طور که گفته شد، موارد استثنا خلاف سنت نیستند، بلکه احتمالاً در شرایط تحقق، ملاحظه‌ای وجود داشته که تحقق نیافته‌اند. برای مثال، در جریان قوم یونس علیه‌السلام که به واسطه گناه، مستحق عذاب شده بودند، به واسطه توبه، عذاب از آنها برداشته شد و مورد عفو قرار گرفتند (یونس، ۹۸). همچنین چه بسا قومی در پی گناه، موقتاً از نعمت برخوردار شوند. توضیح آنکه در این گونه موارد، گرچه مقتضی و شرایط موجود است، اما مانع نیز وجود دارد و طبق قانون علیت، در صورت ناقص بودن اجزا و شرایط علت تامه، معلول تحقق پیدا نخواهد کرد. از موانعی که سنتی را به سنتی دیگر ارجاع می‌دهد، سنت عفو خداوند است که ممکن است مانع جریان سنت عذاب شود؛ یعنی توبه گنهکاران، سنت عفو الهی را حاکم می‌کند و مانع عذاب می‌شود، زیرا شرایط تحقق عذاب را نقض می‌کند. همچنین ممکن است سنت استدراج و امهال، در برابر سنت عذاب مانع گردد. بنابراین باید به دقت درباره شرایط و مقدمات تحقق سنت، تأمل شود تا بتوان براساس آن، حتمیت جاری شدن سنت و زمان آن را برآورد کرد.

### چارچوب و شرایط خاص تحقق سنن الهی

تحقق سنن الهی، چارچوب‌ها و شرایط مشخصی دارد که سنت‌ها تحت آن شرایط، تحقق می‌یابند؛ شرایطی که می‌توان آنها را ویژگی‌های خاص و قوانین ناظر بر تحقق هر سنت، فرض کرد. براساس آیه «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق، ۳)، خداوند برای همه موجودات، قدر

تلقی می‌شود که با باور به مفهوم دانایی به اول و آخر و ذات کل شیء، مغایرت دارد.

خداوند عاری از هرگونه نقص و جهلی است و فعل او نیز چنین است و سنت‌های او، تجلی فعل اویند: «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۳۱) و «إِنَّ رَبَّكَ فَاعِلٌ لِمَا يُرِيدُ» (هود، ۱۰۷)؛ یعنی او هیچ نقصی ندارد. هم علم دارد و هم قادر است. پس آنچه اراده می‌کند، بهترین است و نمی‌توان در آنها تغییر و تبدیل را پذیرفت. آنچه مبدل می‌شود و تغییر می‌کند، قطعاً سنت خداوند نیست.

از دیدگاه فلاسفه نیز چون سنن الهی، در قالب نظام علت و معلول تعریف می‌شوند و از آنجا که تصور نمی‌شود معلولی از علت خود تخلف کند و یا به عبارت دیگر، امکان ندارد که علتی، موقعیت خاص خود را به دیگری بسپارد و یا معلولی از جای خود نقل مکان کند، لذا این گونه تعبیر می‌شود که «تبدیل و تغییر در سنن الهی، محال است». بنابراین، سنن الهی یک قرارداد و اعتبار نیستند که تغییرپذیر باشند؛ بلکه از چگونگی هستی اشیا انتزاع شده‌اند و بیان‌کننده حقیقت آنها بوده، امکان تغییر و تحول ندارند.

نکته دیگر اینکه آیا قوانین آفرینش و سنن الهی، استثنا پذیرند؟ برای مثال، آیا معجزه و کارهای خارق‌العاده، استثنا در قوانین آفرینش‌اند؟ شهید مطهری در این باره، این گونه پاسخ می‌دهد: نه قوانین آفرینش استثناپذیر هستند و نه کارهای خارق‌العاده، استثنا در قوانین آفرینش‌اند. اگر تغییری در سنت‌های جهان مشاهده می‌شود، آن تغییرات، معلول تغییر شرایطند و بدیهی است که هر سنتی، در شرایط خاص جاری می‌شود و با تغییر شرایط، سنتی دیگر جریان می‌یابد که آن سنت نیز در شرایط خاص خود، کلیت دارد.

پس تغییر مصداق سنت، به حکم سنت صورت می‌پذیرد، نه به این معنا که سنتی به حکم سنت دیگر نسخ می‌شود؛ بلکه به این معنا که شرایط اجرای یک سنت تغییر می‌کند و شرایط جدید به وجود می‌آید که در آن، قانون جدید حکمفرما می‌شود. در جهان، همه قانون و سنت‌ها و ناموس‌های الهی، تغییرناپذیرند. پس اگر مرده‌ای به اعجاز زنده می‌شود، خود حساب و قانونی دارد که نزد خداوند محفوظ است. بشر همه سنت‌ها و قانون‌های آفرینش را نمی‌شناسد و حتی بسیاری از آنچه را که به منزله قانون می‌شناسد، صرفاً قشر قانون است، نه قانون واقعی. معنای معجزه نیز بی‌قانون بودن و یا فوق قانون بودن نیست (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۳۰-۱۳۲).

بنابراین، حتی معجزه نیز در چارچوب سنت‌های الهی در جریان است. حال، هر چه شناخت انسان نسبت به این سنت‌ها و قوانین بیشتر باشد، بهتر، کامل‌تر و جامع‌تر می‌تواند از آنها استفاده کند. برای مثال، معصوم علیه‌السلام، با توجه به احاطه جامع‌تر و کامل‌تری که به این قوانین دارد، گاهی کارهایی را انجام می‌دهد که از نگاه عموم مردم، خارق‌العاده‌اند؛ در حالی که این کارها خلاف عادتند، نه خلاف قانون.

بر آن دارد که سنن الهی، قابلیت آموختن و یادگیری داشته، می توان آنها را مورد بررسی قرار داد، تبیین کرد و تدوین نمود تا بتوان از آنها، در زمینه های گوناگون استفاده کرد و براساس آنها برای آینده برنامه ریزی کرد. این مهم در آیه ۲۶ سوره نساء تصریح شده است:

«يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنْنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»

خداوند می خواهد سنت های کسانی که قبل از شما بودند را برای شما بیان کند و می خواهد شما را به سنت های آنها هدایت کند و بر شما ببخشد و خدا، دانای حکیم است.

بنابراین سنن الهی ملموس بوده و می توان آنها را تجربه کرد و در پرتو آنها، قوانین علمی تدوین کرد؛ قوانینی که به ما قدرت تحلیل و پیش بینی می دهند.

### تعامل سنن الهی با یکدیگر

از جمله ویژگی های سنن الهی، روابط سامانمند آنها با یکدیگر است؛ زیرا همگی آنها در یک مسیر و به سمت یک جهت که همان هدایت انسان و به کمال رسانیدن او و تحقق عبودیت خداوند است، جریان دارند. پس با هم ارتباط داشته و در تعامل با یکدیگرند.

در اینجا یک پرسش شکل می گیرد: آیا ویژگی ثابت بودن سنن الهی و عدم تغییر آنها، سبب تزامم متقابل بین آنها می شود؟ یعنی آیا ممکن است سنتی از پیامد سنتی دیگر بکاهد یا زمینه جریان آن را به کلی از بین ببرد یا از بروز و ظهور پیامد خاص آن جلوگیری کند (رجبی، ۱۳۸۹)؟ آیا ممکن است، یک سنت نسبت به سنت دیگر عام بوده و یک سنت، مقدمه تحقق سنت دیگر شده و در جاری شدن آن تأثیر بگذارد؟ آیا ممکن است، برخی از سنن، بر برخی دیگر حاکم شوند و جریان آنها را تغییر دهند؟

توجه کنید که این به معنای تبدیل و تحویل نیست، بلکه حاکم بودن مقوله دیگری است؛ چه بسا ممکن است دو سنت در ارتباط با هم وجود داشته باشند و یکی بر دیگری با توجه به شرایطی، حکومت داشته باشد. بنابراین، لازم است به دقت، رابطه بین سنن و نحوه تعامل آنها را تبیین کرد. آشکار است که این نوع تلاقی و تأثیر و تأثر، در مورد قوانین علمی نیز ممکن است و منافاتی با علمی بودن آن قوانین ندارد (رجبی، ۱۳۸۹).

برای مثال، به عبارتی از علامه در بیان سنت رزق اشاره می شود: آیه «وَلَكِنْ يَنْزِلُ بِقَدْرِ مَا يَشَاءُ» (شوری، ۲۷) بیان سنت الهی در روزی دادن طبق حال مردم است؛ یعنی می فرماید: صلاح حال مردم، در اندازه ارزاقشان دخالت دارد. آیا این با طغیانی که در بعضی ثروتمندان مشاهده می کنیم و می بینیم که روز به روز ثروتمندتر می شوند، منافات ندارد؟ نکته این است که خدای تعالی، غیر از آن سنت، سنتی دیگر نیز دارد که بر سنت قبلی حاکم است؛ یعنی سنت آزمایش و امتحان: «أَمْ أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (تغابن، ۱۵). همچنین سنت سومی نیز دارد

و حدود خاصی مشخص فرموده است که در چارچوب آن قرار می گیرند. سنت های الهی نیز حد و قدر مشخصی دارند و جاری شدن هر یک از آنها، در همان حد و حدود مشخص رخ می دهد. پس تا زمانی که حد و حدود یک سنت تحقق نیابد، آن سنت جاری نمی شود و در صورت تحقق آن حدود نیز آن سنت حتماً جاری می شود.

این مهم را می توان در پرتو برخی از روایات، بدین شرح رصد کرد: علی بن ابراهیم از شخصی روایت می کند که از امام صادق علیه السلام پرسیدم که دو آیه در کتاب خدا وجود دارند که هر چه جستجو می کنم، تحقق پیدا نمی کنند. حضرت فرمود: آن دو آیه چیست؟ عرض کردم، این آیه که می فرماید: «مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را». ما خدا را می خوانیم و دعا می کنیم، در حالی که اجابتی نمی بینیم.

حضرت فرمود: آیا تا به حال دیده ای که خداوند خلف وعده کند؟ گفتم: نه. فرمود: پس علت چیست که می خوانید و اجابت نمی شوید؟ گفتم: نمی دانم. فرمود: اما من می گویم. هر کس که خداوند را در آنچه که امر فرموده است، اطاعت کند، سپس از جهت دعا، او را بخواند، خداوند او را اجابت می کند. گفتم جهت دعا چیست؟ فرمود: شروع می کنی به حمد خداوند؛ سپس نعمت هایی که به تو داده است را یاد می کنی؛ سپس شکر او را به جا می آوری؛ بعد از آن بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود می فرستی، سپس گناهانت را به یاد آورده و به آنها اقرار می کنی، سپس (از خداوند) در برابر گناهانت پناه می خواهی. این، روش و طریقه دعاست.

سپس فرمود: آن آیه دیگر چیست؟ گفتم: این کلام خداوند که می فرماید: «هر آن چه انفاق کردید، عوضش را خدا می دهد و او بهترین روزی دهندگان است». همانا من انفاق می کنم، اما عوضی نمی بینم. فرمود: آیا دیده ای که خداوند خلف وعده کند؟ گفتم: نه. فرمود: پس علت چیست؟ گفتم نمی دانم. فرمود: اگر کسی از شما، مال را از طریق حلال کسب کند و آن را در مسیر حلال انفاق کند، هیچ درهمی انفاق نمی کند، الا آنکه عوضش داده می شود (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۴۸۶).

این روایت دال بر آن است که سنن الهی در چارچوب معینی جاری می شوند و تحت شرایط و مقدماتی تحقق می یابند و تا آن شرایط نباشند، جاری نمی شوند. لذا در ادراک سنن، باید خیلی دقت کرد و شرایط و ویژگی های خاص هر سنت را به طور کامل و دقیق به دست آورد و موانع تحقق آن را تعیین کرد. حال اگر شرایط تحقق هر سنت به دقت مهیا گردد، آن سنت، قطعاً تحقق خواهد یافت و حتمی می شود. بنابراین، شناخت شرایط خاص و ویژگی های خاص هر یک از سنن، برای تشخیص سنن و نحوه تحقق آنها بسیار مهم است.

### قابلیت یادگیری

تأکید قرآن حکیم بر بیان سننی که در مورد گذشتگان جاری شده (فاطر، ۴۳-۴۴ و آل عمران، ۱۳۷) و توصیه به عبرت از آنها، سیر در زمین و توجه به سنت هایی که درباره گذشتگان اجرا شده است، دلالت



به او مال ارزانی می‌فرماید تا روز به روز در گمراهی فرو رفته، راه نجات نداشته باشد. در این حالت است که سنت استدراج، بر دو سنت دیگر حاکم می‌شود.

در روایات نیز مثال‌های زیادی از حکومت یک سنت بر سنت دیگر دیده می‌شود. برای مثال، صدقه دادن بلا را دور می‌گرداند که این بیانی از حکومت یک سنت بر سنت دیگر است. کشف تعامل بین سنن الهی، مهم و جالب و البته بسیار سخت و دقیق است. لذا لازم است که در این باره دقت شود.

نمودار ۳ ویژگی‌های مشترک سنن الهی را به‌منزله قوانین عام حاکم بر آنها، نشان می‌دهد.

که بر مکر و استدراج دلالت دارد: «سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَ أَمَلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ» (اعراف، ۱۸۲ و ۱۸۳). این موارد را باید با هم در نظر آورد (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۸، ۵۷).

بنابراین، سنت رزق، سنتی ابتدایی است که براساس آن، رزق مردم به اندازه‌ای که باعث صلاح آنها می‌شود، تقسیم می‌شود. اما بعضی مواقع لازم است که انسان براساس مال، مورد آزمایش قرار گیرد که در این صورت، در مال او توسعه داده می‌شود و این مال، سبب آزمایش او قرار می‌گیرد. در این هنگام است که سنت امتحان بر سنت رزق حاکم می‌گردد. اما در زمانی دیگر، لازم است که اسباب گمراهی او فراهم گردد و مبتلا به سنت استدراج شود که در این حالت، خداوند آن قدر

### نمودار ۳. ویژگی‌های سنن الهی



## [ سنت اندیشی به مثابه چارچوب شناختی هنجاری نوین در عرصه حکمرانی ]

چارچوب سنت اندیشی، دلالت‌هایی جدی بر مبانی علوم و به‌طور خاص در حوزه حکمرانی، از حیث معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی دارد. به‌عبارتی، براساس این چارچوب، هستی‌شناسی کاملاً متفاوت خواهد بود و معرفت‌شناسی و روش‌شناسی بحث، کاملاً تغییر می‌کند. برخی از این دلالت‌ها عبارتند از:

### ۱. دلالت‌های چارچوب

#### سنت‌اندیشی بر هستی‌شناسی و انسان‌شناسی

الف) با این باور که سنن الهی، قوانینی هستند که خداوند بر هستی و عالم خلقت حاکم فرموده، نگاه ما به عالم هستی و خلقت، بسیار تغییر می‌کند. در این معنا، این قوانین، سامانه تدبیر خداوند را معرفی می‌کنند و عالم هستی، مبتنی بر سامانه تدبیر خداوند در حرکت است.

ب) با این نگاه، امر الهی در سامانه خلقت، از مجرای سامانه سنت‌های الهی جاری و ساری می‌شود.

پ) این قوانین الهی، قوانینی اعتباری مانند قوانین بشری نیستند؛ بلکه قوانینی حقیقی و عینی بوده، منطبق با حق و حقیقت جریان دارند؛ چه آنها را بپذیریم و چه چشم بر آنها ببندیم و بدون لحاظ آنها، نخواهیم حرکت کنیم.

ت) با این نگاه به عالم هستی، می‌توان گفت که ماهیت هستی و عالم تکوین، تغییر می‌یابد و تحت حاکمیت مالک مطلق قرار می‌گیرد که هیچ شریکی نداشته، تدبیر و پروردگاری مطلق عالم، در اختیار او بوده، «فعال ما یشاء» است (هود، ۱۰۷) و هیچ چیز نمی‌تواند در برابر او مانع گردد. در نتیجه، مبتنی بر این چارچوب، هستی و عالم خلقت، بسیار دقیق‌تر و عمیق‌تر شناخته می‌شود و استفاده و تعامل با آن نیز دقیق‌تر و هوشمندانه‌تر صورت می‌گیرد.

ث) در این سامانه، تدبیر انسان در چارچوب تقدیر خداوند تعریف می‌شود و این‌طور نیست که رها شده باشد و هر کاری را که بخواهد، بتواند انجام دهد. لذا هر گونه تلاش و کید و مکر که انسان انجام دهد تا بتواند بیرون از این سامانه و خارج از این چارچوب حرکت کند، ممکن

آنچه در بخش‌های گذشته در مورد ماهیت و چیستی سنن الهی بیان شد، مقدمه‌ای است تا به این مهم پرداخته شود که چارچوب شناختی - هنجاری بی‌بدیلی، مبتنی بر سنن الهی در عرصه حکمرانی ارائه گردد. چارچوبی که تبیین بسیار دقیق‌تری از پدیده‌ها و برآورد آینده آنها ارائه می‌دهد. این چارچوب شناختی - هنجاری، مجموعه‌ای از رهنمودهای کلی حاکم بر «هستی و نیستی» و «خوبی و بدی» است که می‌تواند مبنایی برای نظریه‌پردازی و تعریف روش یا شیوه عمل و خط‌مشی‌گذاری باشد (تقوی، ۱۳۹۱). این چارچوب شناختی - هنجاری «سنت‌اندیشی» نامیده می‌شود. براساس این چارچوب شناختی و هنجاری، جهان جامعه هدف مجموعه‌ای از قوانین دقیق و محاسبه‌پذیر است که می‌توان براساس آنها و در پرتو آنها، تبیین دقیق‌تری از رفتار پدیده‌ها و آینده ارائه داد. سنن‌های الهی، قوانینی هستند که خداوند بر عالم خلقت حاکم فرموده است و از طریق آنها، تدبیر خود را در عالم تکوین، جاری می‌سازد؛ پس استخراج و شناخت و تبیین این قوانین، می‌تواند برای تحلیل و تبیین آینده و همچنین ساختن آن، سودمند باشد. از این رو، ادعا می‌شود که می‌توان سنت‌اندیشی را به‌منزله یک چارچوب شناختی - هنجاری نوین، مد نظر قرار داد و براساس این چارچوب، می‌توان پدیده‌ها و آینده‌های آنها را بهتر و دقیق‌تر، تبیین کرد و در تحقق آن، از سنن الهی کمک گرفت.

در مورد امکان در نظر گرفتن سنت‌اندیشی، به‌منزله یک چارچوب شناختی - هنجاری می‌توان گفت، از آنجا که سنن الهی، حتمی و قطعی بوده، با توجه به عمومیت و استمرارشان و تبیین‌شدگی به امر خداوند متعال و ویژگی آموختنی بودن آنها، می‌توان مبتنی بر سنن الهی، برآوردی دقیق‌تر از حالات آینده پدیده‌ها ارائه داد؛ مشروط بر آنکه بتوانیم تبیین جامع و دقیقی از شرایط ویژه و چارچوب خاص تحقق هر یک از سنن الهی در نظر داشته باشیم. یعنی باید بتوان، سنن الهی را با شرایط و مقدمات تحقق آنها، به‌نحو دقیق تبیین کرد. همچنین ویژگی عدم تنافی سنن الهی با اختیار انسان را در نظر آورد که ویژگی مهمی در تحقق بخشیدن و جاری کردن سنن الهی است. در واقع، از آنجا که غالب سنن الهی، در ساختار سنن مقید ارائه شده‌اند و از سویی، برخی سنن مطلق به‌منزله تصاویر محتوم آینده، وجود دارند؛ بنابراین، می‌توان حدود اختیارات انسان و آینده‌های تغییرپذیر و غیرقابل تغییر را مد نظر قرار داد.

تحول در چارچوب شناختی - هنجاری انسان، منجر به بروز شیوه‌های عمل یا روش‌های متفاوت می‌شود. سنت‌اندیشی، مبنای نظریه‌پردازی یا روش یا شیوه تحلیل و عمل است. بر این مبنا، می‌توان تحلیل‌های عمیق‌تر و جامع‌تری داشت و همچنین می‌توان، روش‌های دقیق‌تری طراحی کرد و حتی روش‌های موجود را تقویت کرد.





نخواهد بود (ابراهیم، ۴۶ و نمل، ۵۰).

تا مخلوقاتش در عرصه دنیا، همه عوامل و علل در ارتباط با هم، در کارند تا در صحنه زمین، اتفاقی بیفتد که در عالم بالا و مبتنی بر قواعد آن عالم، بر ما انسان‌ها مقدر و تدبیر شده است. در این سلسله علل، هیچ کدام از رتبه‌ها رانمی‌توان نادیده گرفت یا آن را دروغ خواند. مسئله در اینجا، رتبه آن علت و به تبع، تأثیر آن در کل سامانه آفرینش است. برای مثال، اگر شیوع بیماری‌های جدید در اصل، نتیجه رواج گناهان جدید باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۷۵)، در این تبیین، نقش ویروس و عواملی از این دست، نادیده گرفته نمی‌شود و انکار نمی‌گردد؛ اما وقوع امر بیماری، صرفاً به آن منحصر نمی‌شود (همايون، ۱۳۹۸: ۸۲).

ذ) تأثیر گذاری عوامل معنوی در این نگاه، از جمله، دخالت مَلک، جن و شیطان در عالم ماده یا آثار آنها بر عالم ماده، در تحلیل‌های مبتنی بر این نوع نگاه، بسیار جدی می‌شود. در این نگاه، مَلک به منزله تدبیر کننده امر خداوند، لحاظ می‌شود (نازعات، ۵) و بدین ترتیب، امر الهی، در سامانه آفرینش، از مجرای سامانه سنت‌های الهی، جاری و ساری می‌شود.

ر) ماهیت زمان در این چارچوب متفاوت می‌شود. در این چارچوب، زمان خود مخلوقی از مخلوقات خداوند تلقی می‌شود که بر آن، قوانینی حاکم است که با شناخت این قوانین، می‌توان درک خود از زمان و نوع تعامل با آن را تغییر داد.<sup>۱</sup>

ز) در این چارچوب شناختی - هنجاری درباره جهان آفرینش، انسان فاعل ما یشاء تلقی نمی‌شود که بتواند هر کار را که می‌خواهد، انجام دهد. بلکه همان‌طور که ذکر شد، در چارچوب تقدیر و اراده خداوند، در حرکت است و تدبیر او در این چارچوب، تعریف می‌شود.

ژ) انسان در این چارچوب، فاعل مختار است؛ یعنی نه جبر و نه تفویض، بلکه اختیار تعریف شده و معین؛ یعنی اختیار انسان در یک چارچوب تعریف شده و محدود، وجود دارد؛ محدود به سنن مطلق و مقید. از این رو برای مثال نمی‌تواند مرگ را به‌طور کلی از خود دور گرداند؛ زیرا مرگ، سنتی است از جانب خداوند و آینده‌ای است قطعی و مقدر برای او (عنکبوت، ۵). اما انسان گاهی می‌تواند زمان مرگ را جابه‌جا کند. بنابراین، می‌گوییم انسان در انجام دادن افعال خود، مجبور است که مختار باشد؛ البته در یک چارچوب مشخص و معین؛ یعنی این‌طور

ج) در این نگاه به عالم هستی، علاوه بر کلیت عالم هستی، همه ذرات آن هوشمند عمل می‌کنند و مبتنی بر قوانینی که خداوند برای آنها تعریف کرده است، در حرکتند. می‌توان برای تقریب به ذهن، این‌گونه گفت که سنن الهی، مانند سیستم عامل رایانه خلقتند و این رایانه خلقت را به حرکت در می‌آورند و اثربخش می‌گردانند. از این رو، کل هستی در پرتو سنن الهی، بسیار هوشمند عمل می‌کند. کافی است که آن را تجربه کنید.

چ) در این چارچوب، مبتنی بر ایمان و باور افراد، هر مقدار که شناخت آنان از این قوانین بیشتر باشد، به شکل کامل‌تر و در سطحی عمیق‌تر، از این قوانین استفاده می‌نمایند. بنابراین، با توجه به سطح معرفت و شناخت معصومان علیهم السلام از این قوانین، استفاده و نفوذ آنان در این قوانین بیشتر است.

ح) سنن و قواعد تکوینی خلقت، قوانینی قابل تجربه هستند و مبتنی بر آیات قرآن، بسیار ملموسند؛ به طوری که در آیات گوناگون قرآن کریم، بر اهمیت گردش در زمین و دیدن قوانین الهی، تأکید شده است (روم، ۴۲).

خ) یکی دیگر از آثار سنت اندیشی بر هستی‌شناسی، آن است که مبتنی بر سنن الهی، عالم ماده با عالم معنا ارتباط پیدا می‌کند. در این نگاه، هستی صرفاً محدود به این عالم ماده نیست، بلکه این عالم، صرفاً ظهور و بروز کوچکی از عالم معنا و حقیقت است؛ در حالی که عالم معنا و عالم ماده، به شدت در تحلیل‌ها و بررسی‌ها، به هم گره می‌خورند. به عبارت دیگر، در این نوع هستی‌شناسی، عالم هستی یک عالم بریده شده و منقطع از سایر عوامل تلقی نمی‌شود؛ بلکه عالمی فرض می‌شود که در تعامل بسیار شدید با سایر عوامل بوده، تحت تأثیر آنها قرار دارد.

د) مبتنی بر این چارچوب، علل اثرگذار بر یک پدیده و روابط علی و معلولی تعریف شده برای آن، محدود به علل و روابط مادی نیست؛ بلکه بسیاری از علل معنوی نیز بر آن پدیده اثرگذار بوده، باید در تحلیل‌ها مورد بررسی قرار گیرند. در سلسله علل هستی، از ذات مقدس باری تعالی

۱. برای درک بهتر این معنی، ر.ک. پورعزت، ۱۳۹۵.



وحی نیز شاخص و متبلور است. ممکن است برخی از قوانین حاکم بر آفرینش را بتوان به طور تجربی کشف کرد؛ همان طور که در بسیاری از موارد در علوم تجربی نیز این اتفاق افتاده است؛ اما ادعا می شود که با ابتنا بر وحی می توانیم این قوانین را به نحو دقیق تر و جامع تری بشناسیم و استخراج کنیم.

● (ب) مبتنی بر چارچوب سنت اندیشی، می توان به یک روش شناسی دقیق دست یافت و از آن، در حوزه های دانشی گوناگون از جمله در عرصه حکمرانی استفاده کرد. این چارچوب روش شناسی را «سنت پژوهی» نامیدیم که بر پایه شناخت پدیده ها و تبیین آنها در سامانه سنن الهی و روابط علی و معلولی مبتنی بر آنها، تعریف شده است. سنت پژوهی به پژوهش درباره سنت های الهی و کشف آنها، تبیین شرایط و چگونگی تحقق آنها، طبقه بندی آنها و تبیین چگونگی نحوه مرادده این سنن با یکدیگر می پردازد و آنها را در جهت تحلیل و تبیین وقایع آینده معرفی می کند (افضلی و همکاران، ۱۳۹۶). مزیت مهم این روش شناسی، ایجاد جامعیت در تحلیل است. به عبارتی، در این روش شناسی، همه سنن الهی مرتبط با یک مسئله یا موضوع، مورد بررسی قرار می گیرند. می توان ادعا کرد که سنت پژوهی یک روش شناسی تولید علوم انسانی اسلامی مبتنی بر سنن الهی است. نمودار ۴، گام های سنت پژوهی را نشان می دهد.

نیست که امر به طور محض به او تفویض شده باشد و از طرفی، جبر محض هم نیست، بلکه امری است بین جبر و تفویض؛ پس مجبور است که به اختیار عمل کند.

● (س) آفرینش خود انسان نیز در یک چارچوب و قوانین مشخصی صورت گرفته است که هیچ تغییری در آن راه نمی یابد (روم، ۳۰)؛ از جمله اینکه انسان بر اساس یک نوع آفرینش خاصی، با عنوان فطرت، خلق شده است (روم، ۳۰)؛ خلیفه و جانشین خداوند بر روی زمین قرار داده شده است (بقره، ۳۰) و بر اساس یک شاکله معین عمل می کند (اسراء، ۸۴) و در مسیر خود به سوی خداوند در حرکت است (انشقاق، ۶).

در نتیجه، مبتنی بر چارچوب سنت اندیشی، هستی و جهان آفرینش، بسیار دقیق تر و عمیق تر شناخته می شود؛ بنابراین نحوه استفاده و مرادده با آن نیز باید دقیق و هوشمندانه باشد.

## ۲. دلالت های چارچوب

### سنت اندیشی بر معرفت شناسی و روش شناسی

● (الف) در چارچوب شناختی - هنجاری سنت اندیشی، منابع کسب معرفت فقط محدود به حس و تجربه نبوده، استفاده از سایر منابع معرفتی، به ویژه

## نمودار ۴. گام های سنت پژوهی





با استفاده از دستاوردهای سنت پژوهی، سطح مبنایی روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها را تقویت کرده، معطوف به سنن، توسعه داد. واضح است که در این صورت، سناریوهای تعریف شده نیز غنی‌تر و جامع‌تر می‌شوند. بنابراین برای بررسی یک پدیده در سطح علت و معلول، می‌توان علاوه بر علت و عوامل مادی مورد بررسی در سطوح گوناگون، علل و عوامل معنوی و فلسفی را نیز مورد تحلیل و تبیین عمیق قرار داد.

حتی تأکید می‌شود که در مراوده با پدیده‌های پیش آمده، باید بر سطوح و لایه‌های گوناگون علل متمرکز شد و مجموعه آنها را مد نظر قرار داد. غفلت از چارچوب‌های شناختی و هنجاری و بی‌توجهی به بدیل‌اندیشی درباره آن در عرصه حکمرانی، این خطر را در پی دارد که بسیاری از جنبه‌های پدیده مورد بررسی نادیده گرفته شوند.

● (ج) این چارچوب برای سایر روش‌های پژوهش نیز دلالت‌هایی دارد و می‌توان از سنن الهی برای عمق بخشیدن به سایر روش‌های پژوهش، سود جست و با تلفیق آنها، دقت آن روش‌ها را افزایش داد. برای مثال می‌توان به روش پویایی‌شناسی سیستم‌ها اشاره کرد که روابط علی و معلولی در تبیین پدیده‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

با استفاده از سنت پژوهی و در نظر گرفتن سامانه سنن الهی، می‌توان این روابط را با رویکرد فلسفی دینی در سطوح عمیق‌تر، علاوه بر علل و روابط مادی و با رویکردی جامع‌تر بررسی کرد. همین نکته را می‌توان در روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها نیز بیان کرد که به‌منزله یک روش بنیادین برای بررسی علل پدیده‌ها در آینده پژوهی، استفاده می‌گردد. می‌توان

## [ ضرورت سنت‌اندیشی برای حکمرانی ]

چه بسیار شهرها را که ستمکار بودند هلاکشان کردیم و اینک، آن شهرها بر سقف‌هایش فرو ریخته‌اند و چه بسا چاه‌های آب که رها شده و قصرهای افراشته [که بی‌صاحب مانده‌اند]. آیا در زمین گردش نکردند تا صاحب قلب‌هایی شوند که با آن ببندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟ در حقیقت چشم‌ها کور نمی‌شوند و لکن قلب‌هایی که در سینه‌هاست، کور می‌شوند.

«فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا / أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا» (فاطر/۴۳-۴۴)

پس آیا جز سنتی که در پیشینیان جاری شده است را انتظار می‌برند؟ هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت. آیا در زمین نگردیدند تا عاقبت کسانی را که پیش از ایشان بودند و نیرومندتر از آنها بودند بنگرند؟ و هیچ چیز، نه در آسمان‌ها و نه در زمین خدا را ناتوان نمی‌سازد، چرا که او دانای تواناست.

در این نوع از آیات دو پیش‌فرض لحاظ شده است: اول آنکه هلاکت اقوام گذشته عبرت‌آور است و این به معنای سیر تاریخی و حرکت خلقت بر طبق قواعد ثابت و لایتغیر است که لازم است مورد بررسی قرار گیرد و از آنها عبرت گرفته شود. دوم آنکه این قواعد، قابلیت کشف و دسترسی از طریق مشاهده دارند که باید مشاهدات دقیق از طریق سیر بر روی زمین و دیدن سرنوشت آنها صورت گیرد. از مجموع این آیات، ضرورت کشف سنت‌های الهی و تعمیق و تدبیر در آنها اثبات می‌شود. این آیات اشاره دارند به اینکه در جهان خلقت، سنت‌هایی قرار داده شده‌اند و این

در قرآن کریم آیاتی وجود دارند که به ضرورت توجه به سنت‌هایی که در مورد اقوام گذشته جاری شده‌اند، اشاره دارد. در اینجا به چند نمونه از این آیات اشاره می‌شود:

«أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (محمد/۱۰)

آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند بنگرند؟

این آیه بر سنت‌های الهی تکیه کرده و بر کاوش روی حوادث تاریخ برای دست یافتن به سنت‌های الهی و عبرت و موعظه گرفتن از آنها، اصرار دارد. همچنین می‌توان به آیات ۱۳۷ آل عمران و ۱۰۹ یوسف اشاره کرد که مضمونی نزدیک به مضمون آیه فوق دارند و بر اهمیت سیر در روی زمین و کشف سنت‌های الهی و دقت و تدبیر در آنها تأکید دارند.

«أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يَمُكِّنْ لَكُمْ وَ أَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ جَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ أُنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ» (انعام/۶)

آیا ندیدند که پیش از آنها چه بسیار اقوامی را هلاک کردیم که در روی زمین به آنها تمکنی دادیم که به شما ندادیم و آسمان را بر آنها باران‌دیم و نهرها در زیر پاهایشان روان ساختیم؟ آن‌گاه آنان را به سزای گناهانشان نابود کردیم و از پی آنان قومی دیگر پدید آوردیم.

«فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَ بِيْرٌ مُعْطَلَةٌ وَ قَصْرٌ مَشِيدٌ. أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونْ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج/۴۵ و ۴۶)

حتی می توان گفت که مسلمانان، به اندازه ای که یک شیمیدان به قوانین الهی در علم شیمی عمل می کند و به آنها اعتماد می کند، نیز به سنن الهی نپرداخته اند و بر اساس آنها عمل نکرده اند و به آنها اعتماد ندارند. از این رو، می توان گفت که اگر چه برخی به سکولاریسم ناسزا می گویند، اما در همان حال، سکولار زندگی می کنند.

علوم اجتماعی، تلاش دارند تا با مطالعه رفتار انسان، در چارچوب اجتماع، به برخی از قانونمندی های کلی و جهانشمول، دست یابند تا از طریق آنها به فهم، پیش بینی، تبیین و کنترل رفتارهای اجتماعی بشر، قادر شوند. در واقع، کشف قوانین حاکم بر زندگی اجتماعی انسان، از اهداف مهم علوم اجتماعی و انسانی است؛ قوانینی که کلیت و ثبات بیشتری داشته، از توان تبیین رفتارهای کلی انسان برخوردار باشند. بررسی سنت های الهی، ما را قادر می کند تا قوانین و سامانه حاکم بر رخداد های اجتماعی را کشف کرده، با شناخت روابط پدیده ها و رخداد های اجتماعی، روند تحول آنها را پیش بینی کنیم. همچنین با بررسی آنها، قادر خواهیم شد تا رخداد های اجتماعی را بهتر مدیریت کنیم. اهمیت شناخت این قوانین، در این است که می توانند نگرش های پژوهشگران علوم اجتماعی را تصحیح کرده، پیش فرض های ذهنی آنها را بازسازی نموده، آنها را در مواجهه با پدیدار های اجتماعی، توانمند سازند تا با دستیابی به قوانین درست تر و کلی تر، بهتر بتوانند به تبیین، پیش بینی و کنترل واقعیت های اجتماعی بپردازند.

سنت اندیشی، بر مراد جدی بین عالم ماده و عالم معنا تأکید داشته و مسائل را در چارچوب جامع تری در مقایسه با سایر رویکردها تحلیل می کند. در پرتو این رویکرد، قوانین علی و معلولی، محدود به سطح عالم ماده و محسوسات نبوده، بسیاری از علل دیگر عالم که قابل حس نیستند را نیز در چارچوب تحلیلی خود داخل می کند. اینکه چطور یک تمدن شکل می گیرد، رشد می کند و به تمدنی غالب و چشمگیر تبدیل می شود، و چطور همان تمدن، افول می نماید و سقوط می کند، مبتنی بر قوانین دقیقی است که می توان آنها را به شکل جامع، در این رویکرد مورد توجه قرار داد. لذا ضروری است که در عرصه های گوناگون حکمرانی و همچنین سایر عرصه ها مانند تمدن سازی، تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و همچنین طی کردن گام دوم انقلاب یا هر برنامه تحولی دیگری، فرایندها بر اساس قوانینی که خداوند تعریف فرموده است و در چارچوب آنها و با لحاظ آنها، برنامه ریزی و حرکت شود تا هر چه بیشتر در مسیر کسب رضایت حضرت حق، با موفقیت حرکت کرد. بدیهی است در صورت بی توجهی به این قوانین و حرکت برخلاف آنها، علاوه بر عقب افتادن و دور شدن از دستیابی به نقطه مطلوب و اهداف و آرمان های تعریف شده، چه بسا با برخی از اقدام های نادرست، به طور کلی زمینه حذف از عرصه دنیا و صحنه آفرینش فراهم آید!

سنت ها، در مورد اقوام گذشته پیاده شده اند و در مورد شما هم امکان تحقق آنها وجود دارد. پس بر روی زمین بگردید و این سنت ها را ببینید و آنها را مورد تأمل و تدبر قرار دهید و با استفاده از آنها، برای آینده خود تصمیم بگیرید.

شهید صدر می گوید: قرآن به منزله کتابی که به این قوانین و سنت های الهی اشاره فرموده است و بر وجود این سنت ها و جاری بودن آنها اصرار می ورزد و با این نوع تفکر که حوادث عالم خود به خود و از روی اتفاق صورت می گیرند، به شدت مقابله می کند. همچنین قرآن با این نظر که حوادث در دست تقدیرات غیبی اند و ما را در برابر آن، جز تسلیم و رضا، چاره ای نیست، به مخالفت صریح برمی خیزد. قرآن در برابر این نوع تفکرات، به شدت مقاومت کرده و هیچ حادثه ای را بی جهت و یا از روی اعمال قدرت و لزوم تسلیم در برابر خداوند، توجیه نمی کند. بلکه حتی عقل بشر را هشدار می دهد که در عالم خلقت، سنن و قوانینی حاکمند و برای اینکه انسان بتواند بر سر نوشت خود حاکم شود و بتواند در این قوانین نفوذ کند، باید شناختی نسبت به این سنت ها و قوانین داشته باشد. در غیر این صورت، هر چند شما چشم بسته باشید، اما آن قوانین بر شما حکومت خواهند کرد. شما چشمانتان را باز کنید و این سنت ها و قوانین را ببینید تا شما بر آنها حاکم گردید، نه اینکه آنها بر شما تأثیر گذارند (صدر، ۱۳۹۳: ۱۵۷-۱۵۸).

شناخت این سنن و حرکت مبتنی بر آنها، باعث می شود که انسان با سامانه آفرینش، هماهنگ شود و اراده او، بر مدار حق و مشیت الهی قرار گیرد و در نتیجه، فعالیت و تلاش او، از ثمره لازم برخوردار گردد. زیرا در این حالت، عوامل مادی، مطابق با عوامل معنوی و در راستای آنها قرار می گیرند و در نتیجه، فعل انسان، از قدرت و اراده خداوندی اعتبار می گیرد و در نهایت از صلاحیت استقرار و بقا برخوردار می شود. سنن الهی، قواعد حرکت در این عالم را طراحی کرده و نشان می دهند که موفقیت در این عالم، در پرتو شناخت سنن الهی و حرکت مبتنی بر آنها میسر می گردد و بدون در نظر گرفتن آنها، نمی توان این عالم را با موفقیت، در جهت دستیابی به هدف وضع شده برای آن، طی کرد. بنابراین، اگر در فرایند حکمرانی، به سنن الهی توجه نشود، غفلت بسیار بزرگی رخ خواهد داد؛ گویا بدون توجه به طراحی زمین بازی، اقدام به بازی شود!

توجه شود که بحث از سنن الهی، با هیچ یک از فروع و احکام دین قابل مقایسه نیست؛ زیرا همه آن احکام و فروع، در چارچوب و در زمینه سنن الهی تحقق می یابند و همان طور که گفته شد، سنن الهی، بر هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی ما، تأثیر می گذارند. مسلمانان، علی رغم همه تأکیداتی که در قرآن، درباره سنن وجود دارند، متأسفانه آن مقدار که باید، به این سنن توجه نمی کنند.



## [ مصادیقی از حکمرانی بر اساس سنن الهی با تأکید بر نامه ۵۳ نهج البلاغه ]

مملکتداری دارای عزت و شکست‌ناپذیر شوی، خداوند متعال را در دولت و حکومت خود، دارای عزت و عزیز گردان و کاری کن که خدا در دولت تو دارای عزت باشد. زیرا سنت خداوند این گونه تعریف شده است که خداوند هر آنکه او را یاری کند، یاری می‌کند و هر آنکه مایه عزت او شود را عزیز می‌گرداند.

۳. «أَنْصِفِ اللَّهَ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَوَى مِنْ رِعْيَتِكَ، فَإِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَظْلِمُ وَ مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ وَ مَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْحَضَ حُجَّتَهُ وَ كَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يَتُوبَ. وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلَى ظُلْمٍ، فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَهَدِينَ وَ هُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ»

با خدا و مردم، از جانب خود و خواص از خاندانت و کسانی از رعیتت که به آنها علاقه داری، با انصاف برخورد کن، که اگر انصاف نوری ستم کرده‌ای و هر که به بندگان خدا ستم کند، خداوند به جای بندگان ستم‌دیده خود، دشمن او می‌باشد و هر که خداوند دشمن او باشد، عذرش را باطل می‌کند و شخص ستمکار در جنگ با خداست تا زمانی که از ستم دست بردارد و توبه کند و هیچ چیزی در تغییر نعمت خدا و سرعت دادن به عقوبت او، قوی‌تر از ستم ورزیدن نیست؛ زیرا خداوند دعای ستم‌دیدگان را می‌شنود و در کمین ستمکاران است.

در این بند، امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک توصیه می‌کند که در امور حکمرانی، (به‌طور کلی) انصاف داشته باش و هر آنچه را که برای خودت و اطرافیان و خاندانت، می‌خواهی برای دیگران نیز بخواه. در غیر این صورت ظلم کرده‌ای و اگر دستت به ظلم آلوده شود، داخل در این سنت خداوند می‌شوی که اگر بندگان خداوند ظلم کنی، هیچ حجتی برای ادامه دولت و حکومت تو وجود نداشته و دولت سرنگون خواهد شد و در جنگ با خدا قرار می‌گیری و هیچ حمایتی برای تو و حکومتت از جانب خداوند وجود نخواهد داشت.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این بندها و دیگر بندهای این نامه، امیرالمؤمنین علیه‌السلام، به خوبی به بیان سنت‌های الهی پرداخته‌اند و در خلال بیان اصول و دستورات خود در عرصه حکمرانی، به این سنت‌ها و لحاظ آنها در عرصه حکمرانی اشاره دارند. با مراجعه به سایر منابع روایی نیز می‌توان این گونه گفت که توجه به سنن الهی در عرصه‌های مختلف، مورد توجه اهل بیت علیهم السلام بوده است و ائمه معصومین علیهم السلام سعی داشته‌اند در بیانات خود، به اهمیت توجه به آنها و به‌کارگیری آنها در عرصه‌های مختلف زندگی دلالت داشته باشند.

نامه ۵۳ نهج البلاغه که معروف به عهدنامه است، به‌عنوان یکی از منابع گرانسنگ در عرصه حکمرانی از منظر دینی به حساب می‌آید. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این نامه، مختصات حکمرانی مطلوب را تبیین فرموده و به شکلی جامع، نکات و دستورات لازم را در عرصه حکمرانی مطلوب ارائه داده‌اند، به شکلی که در مقایسه این نسخه با نسخه‌های رایج در حکمرانی خوب از منظر اندیشمندان این حوزه، اهمیت و جایگاه خاص این نامه مشخص می‌شود. از نکات خاص این نامه در عرصه حکمرانی، توجه به جنبه‌هایی است که معمولاً از آنها غفلت می‌شود. یکی از این جنبه‌ها، سنن الهی و توجه به آن در عرصه حکمرانی است که به شکلی ویژه از آن در این نامه توجه شده است و امیرالمؤمنین علیه‌السلام در جای جای مختلف این نامه، به ارائه برخی از سنن الهی پرداخته‌اند. جالب اینکه این ارائه به شکلی صورت گرفته است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام پیش و یا پس از بیان سنن الهی، دستور و یا اصلی متناسب با آن سنت در عرصه حکمرانی را ذکر کرده‌اند. اگر چه بررسی همه این موارد از منظر این نامه، نیاز به زمان موسع‌تری دارد، اما در این بخش، برای مثال به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

۱. «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِتْيَارِ طَاعَتِهِ وَ اتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ الَّتِي لَا يَسْتَعْدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا وَ لَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَ إِضَاعَتِهَا»

او (مالک) را فرمان می‌دهد به (رعایت) تقوای الهی و مقدم داشتن اطاعت خداوند و پیروی آنچه را که خداوند در کتاب خود از واجبات و سنت‌های خود امر فرموده است؛ که کسی جز به پیروی آنها خوشبخت نمی‌شود و جز به انکار و ضایع نمودن آنها بدبخت نمی‌گردد.

در این بند از نامه که در اوائل آن قرار گرفته است، امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک امر می‌فرماید که در عرصه حکمرانی باید از اوامر خداوند در قرآن مجید تبعیت کند و در بیان علت آن، به سنتی اشاره می‌فرماید که خداوند در عالم خلقت تعریف فرموده است و آن این است که سعادت در عرصه حکمرانی فقط در تبعیت از اوامر خداوند تعریف شده است و شقاوت هم فقط در مخالفت با آنها.

۲. «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ ... وَ أَنْ يَنْصُرَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ تَكْفَلَ بِنَصْرِ مَنْ نَصَرَهُ وَ إِعْزَازِ مَنْ أَعَزَّهُ»

او را فرمان می‌دهد به (رعایت) تقوای الهی و... و آنکه خداوند سبحان را با قلب و دست و زبانش یاری کند، زیرا خداوند یاری کردن آنکه او را یاری کند و عزیز گردانیدن آنکه او را عزیز گرداند را برعهده گرفته است. در این بند، امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک دستور می‌دهند که اگر می‌خواهی در امور حکمرانی، از سوی خداوند متعال، یاری شوی، خداوند را با قلب و دست و زبانت یاری کن و اگر می‌خواهی در امور

## نتیجه گیری

تا زمانی که تجربه اجرایی برای حل مسئله وجود نداشته باشد، طرح روش های جدید در حد ایده اولیه باقی می ماند. با این توصیف، می توان سنت پژوهی را به منزله روشی در چارچوب سنت اندیشی مطرح کرد و تأکید کرد که ندیدن و عدم لحاظ چارچوب های شناختی و هنجاری معطوف به سنن الهی، چه بسا موجب محرومیت از بنیان های اصیل آفرینش در طراحی های پژوهشی توسعه علوم اجتماعی و به طور خاص در عرصه حکمرانی شود. باور و ایمان به قوانین الهی و اهمیت شناخت هر چه بیشتر و دقیق تر آنها، شوق به یادگیری و آشنایی با این سنت ها و کاربست آنها در تحلیل را افزایش می دهد. بنابراین، هر چه باور ما به وجود این قوانین و شناخت مانسبت به آنها بیشتر گردد، بر ضرورت استفاده و بهره گیری از آنها نیز افزوده می شود.

در نهایت ضمن بیان چند مثال از به کارگیری سنن الهی در عرصه حکمرانی با تأکید بر عهدنامه مالک اشتر، به طور خلاصه می توان این گونه ادعا کرد که حکمرانی اسلامی، عبارت است از حکمرانی بر اساس سنن الهی. بدیهی است که شناخت این سنن و حرکت بر اساس آنها، موفقیت در عرصه حکمرانی و تحقق اهداف را به خوبی تضمین می کند.

در این گزارش بعد از مرور ادبیاتی نو و اجمالی درباره ماهیت، چیستی و انواع سنن الهی، نشان داده شد که شناخت سنن الهی، ظرفیت دانشی و معرفتی قابل توجهی را فراهم ساخته، در بسیاری از زمینه های علوم اجتماعی و به طور خاص در عرصه حکمرانی، مفید و مؤثر واقع می شود. در همین راستا، سنت اندیشی به منزله یک چارچوب شناختی و هنجاری جدید، در این عرصه، معرفی شد. این چارچوب، دلالت هایی جدی درباره هستی شناسی و روش شناسی داشته، در مباحث گوناگون قابل استفاده اند. در اینجا از استعاره زمین بازی استفاده شد؛ دال بر اینکه سنت اندیشی، زمین بازی را طراحی و تعریف می کند که بدون لحاظ آن، نمی توان به موفقیت در بازی اندیشید. یعنی بدون سنت اندیشی، صحبت از تمدن سازی و توسعه فرهنگی و نظایر آن، ابتر به نظر می رسد و بدیهی است که در این حالت نمی توان به برد در بازی اندیشید و چه بسا بعد از شکست های متوالی، زمینه اخراج از صحنه بازی فراهم آید. در همین امتداد سنت پژوهی نیز به منزله روشی نوین برای بهره گیری از سنن الهی در تبیین و تحلیل وقایع و پدیده ها، به طور مستقل و همچنین در ترکیب با سایر روش ها، معرفی شد. می دانیم که ارائه یک روش پژوهش جدید، نیازمند تجربه آن در عرصه عمل و اجرای پژوهش بوده،



## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵.
۵. افضلی، علیرضا و علی اصغر، پورعزت و غلامرضا، گودرزی. سنت پژوهی مهدویت: رویکردی نوین به آینده مهدویت، مشرق موعود، ش ۴۴، زمستان ۱۳۹۶.
۶. اکبری، رضا و همکاران. طرح پژوهشی سنن الهی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۴.
۷. بحرانی، هاشم. البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه دارالمجتبی للمطبوعات، ۱۴۲۸.
۸. بیاری، علی اکبر. سنت‌های الهی معطوف به آینده جهان، مشرق موعود، ش ۱، ۱۳۸۶.
۹. پورعزت، علی اصغر. زمان در محضر خدا. دو فصلنامه آینده پژوهی ایران، سال اول، ش ۱، ۱۳۹۵.
۱۰. تقوی، مصطفی. دو سطح بدیل اندیشی برای تکنولوژی، روش شناسی علوم انسانی، سال هجدهم زمستان ۱۳۹۱، ش ۷۳، ۱۳۹۱.
۱۱. رجبی، محمود. پژوهشی در الگوی مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، ش ۱، زمستان ۱۳۸۹.
۱۲. صدر، محمدباقر. سنت‌های تاریخ در قرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۳.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین. میزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۵. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، احتجاج، مشهد مقدس، نشر مرتضی، ۱۴۰۳.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۷. فیومی، احمد بن محمد. المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۴.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
۱۹. مرادخانی، احمد. سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۴.
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
۲۱. مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰.
۲۲. مطهری، مرتضی. عدل الهی، قم، نشر صدرا، ۱۳۵۷.
۲۳. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۶۹.
۲۴. همایون، محمدهادی. چهلستون تمدن، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۸.





## مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: [mrc@majles.ir](mailto:mrc@majles.ir)

وبسایت: [mrc@majles.ir](http://mrc@majles.ir)